

## نقد و ارزیابی محتوای کتاب درسی دین و زندگی سال سوم دبیرستان (با تأکید بر برنامه‌ی درسی)

فاطمه‌سادات میرعارفین

دکتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی [mirarefin@hotmail.com](mailto:mirarefin@hotmail.com)

### چکیده

ارزش یابی برنامه‌ی درسی، یکی از مؤلفه‌های بسیار اساسی در بهسازی و بهبود برنامه‌ی درسی از طراحی برنامه تا تولید ماده‌ی آموزشی است که به هنگام تکوین برنامه، انجام می‌شود و می‌تواند برنامه‌ریزان و تهیه کنندگان یک برنامه را به شکل علمی و منطقی یاری رساند. مقاله‌ی حاضر نیز برگرفته از یکی از همین ارزش یابی‌ها می‌باشد. این برنامه‌ی درسی تحت عنوان «دین و زندگی»، نشأت یافته از کلام وحی (قرآن)، برگرفته از معارف دینی اسلام و بر اساس برنامه‌ی چهارساله دوره‌ی متوسطه و پیش دانشگاهی طراحی و تدوین شده است.

با توجه به سیاست‌ها و رویکردهای مطرح در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی مبنی بر ارزش یابی برنامه‌ها و مواد آموزشی تازه تولیدشده از جمله کتاب درسی طبق سنوات گذشته کتاب‌درسی جدیدالتألیف دین و زندگی سال سوم متوسطه، به قضاوت صاحب‌نظران و دبیران مجرب این درسی، گذاشته شد. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات مورد نظر، از پرسش‌نامه‌ی بازپاسخ و مصاحبه استفاده شده و اساسی‌ترین سؤال پژوهشی چنین بوده است: از دیدگاه صاحب‌نظران و دبیران، تا چه حد محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، با مؤلفه‌های پیش‌بینی‌شده در راهنمای این برنامه‌ی درسی، تناسب دارد و اساساً از چه نقاط قوت و نارسایی‌های احتمالی، برخوردار می‌باشد؟

یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که در مجموع، منابع مختلف اطلاعاتی از تناسب میان محتوای کتاب و مؤلفه‌های مورد نظر، سخن گفته‌اند و مؤلفان توانسته‌اند موفقیت قابل توجهی کسب کنند. لیکن در برخی از موارد، اظهارات گروه‌های پاسخ‌دهنده نه به معنای عدم توفیق یا مردود بودن موضوع، بلکه به معنای ژرف‌نگری و برخورداری از یک نگاه اصلاحی حاوی نکات برجسته و قابل تأملی است که تهیه‌کنندگان برنامه را به سمت کیفیت‌بخشی بیشتر مباحث و موضوعات ارائه شده، سوق می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** روی‌کردها؛ اصول؛ اهداف؛ سرفصل‌ها؛ روش‌ها؛ نیازها؛

## مقدمه

راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی (۱۳۸۳)، مهم‌ترین رسالت نظام اسلامی را، برنامه‌ریزی برای پرورش و رشد انسان‌هایی مؤمن و عامل به تعالیم اسلامی می‌داند. به اعتقاد نویسندگان این برنامه؛ جمهوری اسلامی ایران برمبنای این اعتقاد که دین اسلام، طرحی برای «حیات طیبه» در دنیا و فلاح و رستگاری در آخرت است، ساختار ویژه‌ی را برای اداره‌ی جامعه، به‌منظور تحقق اهداف غایی پیشنهاد می‌کند. لذا «دین اسلام دارای نظام سیاسی، اجتماعی و حقوقی خاصی است که هدایت و تربیت دینی را به‌عنوان مبنای‌ترین مسئولیت می‌پذیرد و همه‌ی برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در همین جهت سامان می‌دهد. این هدف متعالی، ریشه در مسئولیتی دارد که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم) برای آن مبعوث شده و به جامعه‌ی توحیدی و نظام دینی هویت می‌بخشد (همان)».

راهنمای برنامه در ادامه‌ی بحث فوق و اهمیت موضوع اشاره می‌کند که در نظام اسلامی، نهادهایی که نسبتی با تعلیم و تربیت دارند، به میزان دایره‌ی عمل و تأثیر خود، مسئولیت بیشتری برعهده دارند. این سند، خانواده را اولین و مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت، و والدین را اولین مسئولین معرفی می‌کند و در توضیح آن می‌افزاید: «درواقع، مسئولیت اولی همراه با لذات برعهده‌ی والدین است که هم ویژگی‌های فطری آنان، سازگار با آن است و هم از جانب دین و در مقابل خدا، مکلف به ایفای وظیفه هستند. کوتاهی و تقصیر در مقابل این وظیفه، مؤاخذه‌ی سنگین الهی را در پی خواهد داشت.

در همین رابطه نیز مسئولین نظام اسلامی وظیفه دارند برنامه‌هایی را به اجر درآورند که هویت خانواده به‌عنوان کانون اصلی پرورش نسل‌ها حفظ شود، به‌گونه‌ای که پدر و مادر، هرکدام بتوانند مسئولیت ویژه‌ی خود را در تربیت فرزندان، انجام دهند».

در بخش دیگری از راهنمای برنامه، پس از خانواده، نقش نهادهای دیگری را از قبیل حوزه‌های علمیه، صدا و سیما و کلیه‌ی بخش‌های مطبوعاتی و هنری، در امر تعلیم و تربیت فرزندان، مؤثر می‌بیند و حتی آنها را به ارائه‌ی برنامه‌های تعلیمی و تربیتی، مسئول و موظف می‌داند. در میان مجموعه‌ی این نهادها، حضور مستمر آموزش و پرورش را در سنین رشد از حیث تربیت کودکان، جهت‌دهنده و اثرگذار تلقی می‌کند و می‌گوید: «وظیفه‌ی آموزش و پرورش، به‌عنوان بخشی از نظام اسلامی؛ تکمیل، تعالی و تعمیق تعلیم و تربیت دینی است و این وظیفه با تأمل مداوم، بازنگری مستمر و چاره‌اندیشی پی‌گیر، برای تدوین و توسعه‌ی برنامه‌های کارآمد، میسر می‌گردد (همان)».

بازرگان (۱۳۸۰) نیز فعالیت‌های آموزشی هر کشور را، سرمایه‌گذاری یک نسل برای نسل دیگر می‌داند و هدف اصلی این سرمایه‌گذاری را توسعه‌ی انسانی معرفی می‌کند. او اظهار می‌دارد که هدف فعالیت‌های آموزشی، رشد آگاهی و توانایی‌های بالقوه‌ی انسان است و از آنجا که آموزش، وسیله‌ای برای شناسایی مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و پی بردن به راه‌حل‌های مناسب برای آنهاست، براین اساس، نظام آموزشی را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین زیرنظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منظور داشت.

در تأیید این نکته می‌توان گفت چنانچه در هر نظام آموزشی، رشد قابلیت‌های انسان، هدف اساسی به شمار آید؛ تعیین محتوای آموزشی و فرصت‌های یادگیری، یاری متخصصان و دست‌اندرکاران حوزه‌های اجرایی را می‌طلبد و بایسته است نقطه‌ی تلاقی حوزه‌ی نظر و عمل به‌دست مطالعات گوناگون سپرده شود تا از آن میان، آنچه که زمینه‌های رشددهنده‌ی انسان را تأمین می‌کند، گزینش شده و کیفیت آن، تضمین گردد.

با این چشم‌انداز، گروه درسی تعلیم و تربیت دینی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب‌درسی، طبق بررسی‌های کارشناسی و نشست‌های علمی تخصصی، برنامه‌ی درسی «دین و زندگی» دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی را که تلفیقی از تعلیمات دینی و برنامه‌ی انسان درطول زندگی است، طراحی کرده و به آن به‌عنوان یک برنامه‌ی درسی مستقل و در عین حال هماهنگ با برنامه‌ی قبلی پرداخته است. این برنامه‌ی درسی، مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی را به متن زندگی پیوند می‌دهد تا از این طریق، نیازهای زندگی مخاطبان از بعد معارف دینی اسلام، تأمین گردد.

### بیان مسئله، ضرورت و اهمیت پژوهش

در فرایند تهیه و تولید برنامه‌های درسی، برنامه‌ریزان درسی، قبل از هر چیز به تهیه و طراحی راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط می‌پردازند و برنامه‌ی درسی به‌عنوان سند معتبر این فرایند، راه را برای تولید مواد آموزشی از قبیل کتاب درسی، فیلم، نوارهای صوتی، CDها و نرم‌افزارهای آموزشی، می‌گشاید. بنابر این، مواد آموزشی و عمدتاً کتاب‌های درسی به‌عنوان یکی از عناصر مهم و کلیدی آموزش، پس از گذر از مرحله‌ی تولید و پیش از آن‌که در دسترس مخاطبان اصلی قرار گیرد، به منظور آشکارشدن نارسایی‌های احتمالی و قوت‌های موجود؛ بررسی، بازنگری و اصلاح می‌شود. این بررسی از منظر مؤلفه‌ها و عناصر اساسی برنامه مانند رویکردها، اهداف، سرفصل‌هل (مفاهیم)، اصول انتخاب و سازمان دهی محتوا، شیوه‌های تدریس و ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و سایر مؤلفه‌های مورد نظر، به‌عمل می‌آید.

به عبارتی می‌توان گفت ارزش‌یابی تکوینی<sup>۱</sup> یا مرحله‌ای که منجر به اعتباربخشی برنامه یا مواد آموزشی می‌شود، جزء لاینفک فرایند برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌گردد که تدوین‌کنندگان برنامه با کسب نتایج حاصل و بر اساس شواهد گردآوری شده، به تغییر و اصلاح برنامه یا مواد آموزشی می‌پردازند. «اهمیت و ضرورت ارزش‌یابی به‌عنوان یک مؤلفه‌ی مهم برنامه‌ی درسی، از آن روست که از نتایج ارزش‌یابی برای برنامه‌ریزی درسی بهتر و اصلاح و بهبود برنامه‌های درسی استفاده شود، در غیر این صورت، نحوه‌ی استفاده از نتایج ارزش‌یابی در برنامه‌ی درسی، مبهم باقی می‌ماند. برای این منظور، ضروری است که منابع کافی برای انجام ارزش‌یابی اختصاص یابد و ارزش‌یابی به‌عنوان وظیفه‌ی اصلی طراحان و مجریان، تلقی گردد (فتحنی، ۱۳۷۷)».

از این مجرا باید چنین اظهار داشت، چنانچه یک برنامه‌ی درسی یا ماده‌ی آموزشی، پس از تهیه و تولید و در مرحله‌ی تکوین مورد ارزش‌یابی و قضاوت تخصصی قرار نگیرد، مشروعیت برنامه به‌منظور اجرا در صحنه‌های اصلی آموزش، مورد تردید واقع می‌شود و پشتوانه‌ی علمی پژوهشی معتبری نیز نمی‌توان برای آن یافت. از این رو «بهبود برنامه‌های آموزشی، هدف اصلی ارزش‌یابی به‌شمار می‌آید (ولف، ترجمه: کیامنش، ۱۳۷۵)». لذا هنگامی که از اعتباربخشی برنامه یا ماده‌ی آموزشی سخن به میان می‌آید؛ منظور، جست‌وجوی نقاط قوت و نارسایی‌هایی است که در سایه‌ی ارزش‌یابی آشکار می‌شوند و مورد بازنگری و اصلاح، قرار می‌گیرند. به همین علت مهرمحمدی (۱۳۷۲)، به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران حوزه‌ی برنامه‌ریزی درسی در تأکید و اهمیت این مرحله از طراحی برنامه، چنین ابراز می‌دارد: «از آنجا که برنامه‌های درسی که شکلی مقطعی و از پیش تعیین‌شده و غیر قابل انعطاف دارند و در کتاب درسی واحد، تجلی می‌یابند، تعبیه‌ی این مرحله یعنی اعتبار بخشی، در فرایند برنامه‌ریزی درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود». شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که تولید هر برنامه یا مواد آموزشی، بدون انجام ارزش‌یابی و بررسی‌های تکوینی، ابتر خواهد ماند. در این صورت، برنامه‌ریزان درسی، وظیفه‌ی اصلی خود را یا به دست فراموشی سپرده‌اند یا برای آن، اهمیت چندانی قائل نشده‌اند.

در این ارتباط، خلخالی (۱۳۸۱) نیز کتاب درسی را محور آموزش رسمی می‌داند و اعتقاد دارد: «از آنجا که کتاب درسی در ایران، مظهر تحولات برنامه‌ریزی درسی و محور آموزش و سنجش به‌شمار می‌رود؛ نارسایی‌های آن در عمل، از بنیادی‌ترین معضله‌های نظام آموزشی محسوب می‌شود». بنابر این می‌توان گفت که ارزش‌یابی برنامه یا ماده‌ی آموزشی، دقیقاً در راستای آشکارسازی ضعف‌ها یا نقص‌ها و قوت‌ها انجام می‌شود.

<sup>۱</sup> Formative Evaluation

در همین راستا الکین<sup>۱</sup> به نقل از کیث<sup>۲</sup> (ترجمه‌ی فتحی، ۱۳۸۱) بیان داشته است که کالیفرنیا و دیگر ایالات بزرگی که به گزینش و انتخاب کتاب درسی می‌پردازند، در حال بهسازی شیوه‌های ارزش‌یابی خود می‌باشند. این بهسازی به سمت همخوانی بیشتر کتاب‌های درسی با هدف‌های کلی برنامه‌ی درسی برای هر موضوع درسی، سوق یافته تا از این رهگذر، ناشران کتاب‌های درسی به تولید کتاب‌های منسجم‌تر و هماهنگ‌تر با نیازهای برنامه‌ی درسی، روی بیاورند.

بنابر این اگر گفته شود بهسازی کتاب‌های درسی از مجرای همخوانی با اهداف از پیش تعیین‌شده در برنامه، همان ارزش‌یابی ماده‌ی آموزشی با توجه به یکی از مؤلفه‌های اساسی برنامه است؛ سخنی گزاف نیست و از آنجا که کتاب درسی باید متناسب با مؤلفه‌های موجود در راهنمای برنامه‌ی درسی تدوین شود؛ «لازم است هر گونه اتخاذ تصمیم در خصوص عناصر اصلی برنامه، در کتاب درسی نمود داشته باشد (جزوه‌ی منشور مدیریت، ۱۳۷۹)». به عبارتی، مشاهده‌ی رد پای عناصری که در برنامه به منظور تدوین یک کتاب درسی یا ماده‌ی خاص در نظر گرفته می‌شود، یک ضرورت غیر قابل انکار است. پس می‌توان گفت که تصمیم‌گیری‌ها در این حوزه باید منوط به آگاهی کامل افرادی باشد که در این زمینه، نقش اصلی و زیربنایی ایفا می‌کنند. این نکته را می‌توان در باورهای آیزنر<sup>۳</sup> نیز به عنوان یکی از متخصصان صاحب‌نام قلمرو برنامه‌ی درسی جست‌وجو کرد. وی در خصوص ترکیب مناسب افراد در حوزه‌ی اتخاذ تصمیمات منطقی و علمی برای تولید مؤلفه‌های یک برنامه، اعتقاد دارد که از میان مؤلفه‌ها یا عناصر مختلف برنامه‌ی درسی، متخصصان موضوعی تنها در امر انتخاب محتوا و آن هم با توجه به اشراف و بصیرتی که نسبت به ساختار رشته‌ی علمی خود دارند می‌توانند دست برتر داشته یا نقشی پررنگ‌تر ایفا کنند. لیکن در تصمیم‌گیری درباره‌ی سایر عناصر و مؤلفه‌ها از قبیل فعالیت‌ها و فرصت‌های یادگیری، روش‌های یاددهی یادگیری، تولید مواد و منابع آموزشی و ارزش‌یابی، تکیه بر آگاهی و بصیرت دست‌اندرکاران عالم نظر و عمل، تعلیم و تربیت را گریزناپذیر می‌خواند و نقش برتر را برای نمایندگان این گروه‌ها قائل می‌شود (به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۸۱).

هنگامی که نگارنده در ادامه‌ی سطور پیشین، جایگاه معلم را در این فرایند؛ بسیار خطیر، حساس و قابل توجه ارزیابی می‌کند، بر این باور است که برای این گروه، هیچ جایگزینی نمی‌توان شناسایی کرد، یعنی در نظر گرفتن نقش معلمان را در کنار برنامه‌ریزان درسی، با اهمیت جلوه می‌دهد، به گونه‌ای که آیزنر آن را به دست‌اندرکاران عالم نظر و عمل تعبیر کرده است. به اعتقاد وی معلم با حضور فعال و معنادار خود در این فرایند،

<sup>۱</sup> Alkin

<sup>۲</sup> Keith

<sup>۳</sup> Eisner

می‌تواند خلاء خطرناک و ویرانگر میان نظر و عمل یا برنامه و اجرا را، پر کند (همان منبع).

بدین ترتیب، چنین استنباط می‌شود که در فرایند تدوین و تکوین برنامه‌ی درسی و به تبع آن، تولید مواد آموزشی از جمله کتاب درسی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در دسترس و مرجعی اصلی برای آموزش؛ مشارکت متخصصان موضوعی، برنامه‌ریزی درسی و معلمان به‌منظور انتخاب و سازمان دهی محتوا، امری قابل دفاع تلقی می‌گردد.

بازرگان (۱۳۸۰)، در بحث از موضوع ارزش یابی، اظهار می‌دارد: «با توجه به گستردگی و پوشش وسیع فعالیت‌های نظام آموزشی، ارزش یابی سازمان‌های آموزشی، ارزش یابی برنامه‌ها، ارزش یابی کارکنان و خدمات آنها، می‌تواند در فراهم‌آوری کیفیت آموزشی، نقش داشته باشد». او همچنین از قول پاتون<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) می‌نویسد: ارزش یابی برنامه عبارت است از «گردآوری اطلاعات درباره‌ی فعالیت‌ها، ویژگی‌ها و بروندهای برنامه به‌منظور قضاوت درباره‌ی برنامه، بهبود اثربخشی برنامه یا اطلاع‌رسانی برای تصمیم‌گیری جهت برنامه‌ریزی آینده».

سیف (۱۳۸۴)، با تأکید بر ارزش یابی مختلف مواد آموزشی به نقل از گی<sup>۲</sup> می‌نویسد: «ارزش یابی آموزشی گاهی به‌منظور تعیین اثربخشی برنامه‌ی درسی یا مواد آموزشی<sup>۳</sup> انجام می‌شود و شامل ارزش یابی از عواملی چون روش‌های آموزشی، کتاب‌های درسی، مواد دیداری شنیداری و تدارکات فیزیکی و سازمانی است. ارزش یابی از برنامه‌ی درسی ممکن است شامل ارزش یابی از یک برنامه یا ارزش یابی از جنبه‌ی کوچکی از یک برنامه‌ی کامل مانند استفاده از فیلم‌های آموزشی باشد. در ارزش یابی از برنامه‌های درسی و مواد آموزشی نیز عمده‌ترین ملاک، پیشرفت تحصیلی یا میزان یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان است، اما علاوه بر این، از ملاک‌های دیگری چون نگرش معلمان و یادگیرندگان نیز می‌توان بهره جست. برای مثال می‌توان تعیین کرد که نظر معلمان نسبت به برنامه چگونه است یا این‌که یادگیرندگان چگونه به آن واکنش نشان می‌دهند؟ آیا ممکن است یادگیرندگان، بیشتر یاد بگیرند و کمتر به درس و مدرسه علاقه‌مند شوند؟

به‌نظر می‌رسد آنچه که سیف از گی، نقل می‌کند، به‌نوعی با تحقق اهداف برنامه، ارتباط داشته باشد. در واقع به‌طور ضمنی به موضوعی اشاره می‌کند که کیث (ترجمه‌ی فتحی، ۱۳۸۱) نیز به شکل دیگری اما مرتبط، به آن اعتقاد دارد.

<sup>۱</sup> Patton

<sup>۲</sup> Gay

<sup>۳</sup> Instructional Material

ملکی (۱۳۷۸) نیز در نحوه‌ی مشروعیت‌بخشیدن به برنامه‌ی درسی از سیلور<sup>۱</sup>، الکساندر<sup>۲</sup> و لوئیس<sup>۳</sup> چنین نقل می‌کند: «برنامه‌ی درسی با عوامل مختلف آشکار و پنهان ارتباط دارد که بر همه‌ی مراحل برنامه‌ریزی درسی، از تصمیم‌گیری تا اجرا تأثیر می‌گذارد. بنابر این، مشروعیت و صحت برنامه‌ها، به ارزش‌یابی دقیق و مستمر نیازمند است. لذا ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی، فرایندی است که در مورد داوری در زمینه‌ی تناسب تصمیمات برنامه‌ی درسی به‌کار می‌رود». وی در بخش دیگری به ارزش‌یابی هدف‌های یک برنامه اشاره می‌کند و می‌نویسد: «علاوه بر هدف‌های کلی؛ هدف‌های جزئی و عینی نیز باید مورد ارزش‌یابی قرار گیرند». در تأکید این گفته می‌توان به میزان تناسب محتوای مواد آموزشی و مؤلفه‌های گوناگون برنامه‌ی درسی، اشاره کرد که جزء تصمیمات اساسی و منطقی، تلقی می‌شوند. چنانچه یکی از مهم‌ترین عناصر برنامه را تحت عنوان «اهداف» بخوانیم؛ پس ارزش‌یابی این بخش از برنامه نیز یک امر ضروری محسوب خواهد شد. ملکی در کتاب خود، ارزش‌یابی اهداف را یکی از مقاصد اصلی برنامه‌ریزان می‌داند و یکی از شیوه‌های این نوع ارزش‌یابی را، استفاده از آراء صاحب‌نظران در زمینه‌های گوناگون نام می‌برد. وی به نقل از لوی<sup>۴</sup> (۱۳۷۸) پیشنهاد می‌کند: «از متخصصان موضوعات درسی، متخصصان برنامه‌ی درسی، روان‌شناس تربیتی، جامعه‌شناس تربیتی، معلمان و مدیران تعلیم و تربیت در ارزش‌یابی هدف‌ها، استفاده شود».

در تأیید سطور فوق، سیلور و همکاران (ترجمه: خوی‌نژاد، ۱۳۷۷) نیز دیدگاه‌هایی ارائه داده‌اند. به‌زعم ایشان، ارزش‌یابی تکوینی، یک وسیله‌ی جدید و ارزشمند را برای کمک به طرح‌ریزان برنامه‌ی درسی فراهم می‌کند تا بتوانند به تصمیمات منطقی و رواق دست یابند. استفاده از این وسیله، مستلزم یک ارتباط و همکاری نزدیک بین طرح‌ریزان برنامه‌ی درسی و یک محقق ارزش‌یابی تکوینی است. به عقیده‌ی سیلور و همکارانش، ارزش‌یابی مداوم و در حال پیشرفت بخش‌های متعدد برنامه‌ی درسی یک مؤسسه‌ی تربیتی، یکی از سؤال‌های اصلی ارزش‌یاب محسوب می‌شود. به زعم آنها، چنین ارزش‌یابی‌هایی در فرایند طرح‌ریزی؛ اساس، تلقی می‌شوند و عملاً طرح‌ریز و ارزش‌یاب برنامه‌ی درسی باید در گسترش و ارتقاء برنامه‌ی تربیتی با یکدیگر همکاری نزدیک داشته باشند.

موروکو<sup>۵</sup> نیز در نحوه‌ی ارزش‌یابی تکوینی، به سه مرحله‌ی گسترش برنامه، اشاره می‌کند: طرح‌ریزی / الگوپردازی، اجرای برنامه و انتشار آن به سایر استفاده‌کنندگان. وی در این خصوص توضیح می‌دهد که در مرحله‌ی اجرا، ارزش‌یابی تکوینی می‌تواند عوامل یا

<sup>۱</sup> Saylor

<sup>۲</sup> Alexander

<sup>۳</sup> Louise

<sup>۴</sup> Lewy

<sup>۵</sup> Morocco

فرایندهای برنامه را که موفقیت نهایی برنامه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، شناسایی نماید (همان).

اگرچه توضیحات موروکو، نشان از بررسی برنامه در مرحله‌ی اجرا دارد اما این‌که ارزش یابی تکوینی، قابلیت شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های برنامه را قبل از اجرای برنامه نیز دارد، موضوعی غیر قابل انکار است. در این خصوص «کمیته‌ی ملی فای دلتا کاپا<sup>۱</sup> به ریاست استافل بیم<sup>۲</sup> (۱۳۷۷)، رویکرد جدیدی را در ارزش یابی تکوینی، گسترش داد. این کمیته، ارزش یابی تربیتی را به‌عنوان فرایند مشخص کردن، به‌دست آوردن و فراهم آوردن اطلاعات مفید برای قضاوت در مورد تصمیمات جانشینی، تعریف کرد. طرحی که این کمیته گسترش داد، نظر پیشگامانه‌ی کرانباخ<sup>۳</sup> را در ارزش یابی به‌عنوان جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات برای تصمیم‌گیری در باره‌ی یک برنامه‌ی تربیتی، کامل نمود».

اسمیت<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) در مقاله‌ی خود تحت عنوان «ارزش یابی» به انواع ارزش یابی‌ها در سطح برنامه‌ها و پروژه‌های یک سازمان می‌پردازد. وی چنین اظهار می‌دارد: «این شکل از ارزش یابی، نوعاً با قضاوت‌هایی در باره‌ی اثربخشی، کارآیی و تداوم بخش‌هایی از یک کار یا فعالیت ارتباط دارد. در این معنا، ارزش یابی، ضرورتاً یک ابزار مدیریتی محسوب می‌شود. این قضاوت‌ها به‌منظور ارائه‌ی پاداش به سازمان، کارکنان آن یا فراهم‌آوردن زمینه‌های بازخورد، صورت می‌گیرند، به‌گونه‌ای که بتوانند موجب بهبود یا تغییر فعالیت‌های آتی شوند». همان‌گونه که در سطور پیشین مطرح شد، بازرگان نیز نقش ارزش یابی از سازمان‌های آموزشی را در کیفیت‌بخشی برنامه‌هایشان جست‌وجو می‌کند. بنابر این نقطه‌ی اشتراک باور وی با اسمیت را می‌توان به‌عنوان ابزار مدیریتی و بازخورد به‌منظور بهبود، تلقی کرد.

گاتلیب<sup>۵</sup> و همکارانش (۲۰۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزش یابی برنامه‌ی درسی به‌عنوان مبنایی برای توسعه‌ی (بهبود) توانایی‌های بالینی»، بهبود حرفه‌ای را مد نظر قرار داده و آن را، راه درمانی برای طراحان برنامه‌ی درسی مربوط می‌دانند. آنان در بخشی از مقاله که به بحث خودارزیابی می‌پردازند، چنین ذکر می‌کنند که از طریق خودارزیابی، پزشکان یا روان‌شناسان بالینی می‌توانند به مهارت‌های حرفه‌ای خود دست یابند، نیازهای آموزشی خود را تعریف و شناسایی کنند، پیشرفت‌هایشان را ارزش یابی کنند و نقاط قوت و ضعف‌های عملکرد خود را تعیین نمایند. سپس در ادامه می‌افزایند: «اگرچه گاهی اوقات،

<sup>۱</sup> Phi Delta Kappa

- انجمن (کمیته‌ی) بین‌المللی متخصصان حرفه‌ای در تعلیم و تربیت که آموزش کیفی را ترغیب می‌کند و عموماً بر آموزش حمایت‌شده تأکید ویژه‌ای دارد (نگارنده).

<sup>۲</sup> Stuffle Beam

<sup>۳</sup> Cronbach

<sup>۴</sup> Smith

<sup>۵</sup> Gottlieb



خودارزیابی دشوار است اما برای بهبود حرفه‌ای، امری ضروری به‌شمار می‌آید». هرچند گاتلیب از برنامه‌ی درسی مربوط به حوزه‌ی پزشکی بحث می‌کند، اما بخشی از مقاله‌ی او که در زمینه‌ی تعیین نقاط قوت و ضعف عملکرد از طریق خودارزیابی است و می‌تواند موجبات بهبود حرفه‌ای را فراهم آورد، بی‌ارتباط با مباحث مطرح‌شده در این نوشتار نیست و هدف از طرح آن، تأکیدی است که صاحب‌نظران نسبت به این مقوله در حوزه‌ی ارزش‌یابی دارند. از این رو با تأکید بر شناخت عمیق یک برنامه، گروه درسی مربوط نیز با ارزش‌یابی مواد آموزشی عمده‌تأ کتاب درسی به‌عنوان منبع و مرجع اصلی در فعالیت‌های آموزشی کلاس درس به خودارزیابی می‌پردازد تا از طریق به نقد گذاشتن جنبه‌های گوناگون؛ کاستی‌های احتمالی و نکات مثبت را بیابد و نقش خطیر و در عین حال ارزنده‌ی خود را در غنی‌سازی و کیفیت‌بخشی برنامه‌ی تولید شده، ایفا نماید.

در همین راستا و با توجه به تصمیمات اتخاذ شده در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در زمینه‌ی پژوهش‌محور کردن برنامه‌های درسی، کتاب درسی دین و زندگی سال سوم متوسطه نیز که مرحله‌ی تولید را پشت سر گذاشت، از دیدگاه صاحب‌نظران و دبیران این درس، مورد ارزش‌یابی قرار گرفت تا همانند سایر برنامه‌های درسی، از اعتبار و مشروعیت کافی برای حضور در عرصه‌های تربیتی و آموزشی، برخوردار گردد. بنابر این، اهداف و سؤال‌های این پژوهش را می‌توان چنین برشمرد:

## اهداف

- ۱- بررسی تناسب محتوای کتاب درسی دین و زندگی سال سوم متوسطه با هر یک از مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی مربوط
- ۲- کسب اطلاعات در خصوص نقاط قوت و نارسایی‌های احتمالی محتوای کتاب درسی دین و زندگی سال سوم متوسطه به‌منظور کیفیت بخشی آن.

## سؤال‌های پژوهش

از دیدگاه منابع اطلاعاتی:

- ۱- تا چه حد محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، با رویکردهای مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
- ۲- تا چه حد محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، با اصول حاکم بر برنامه‌ی تعلیم و تربیت دینی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟

- ۳- تا چه حد محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، با اهداف کلی دوره‌ی متوسطه، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
- ۴- تا چه حد محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، با اهداف پایه‌ی تحصیلی (سال سوم دوره‌ی متوسطه)، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
- ۵- تا چه حد محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، با سرفصل‌های پایه‌ی سوم تحصیلی در جدول وسعت و توالی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
- ۶- تا چه حد محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، با اصول انتخاب و سازمان دهی محتوا، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
- ۷- تا چه حد روش‌های تعلیمی و تربیتی (تدریس) پیش‌بینی‌شده در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، با محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، تناسب دارد؟
- ۸- تا چه حد مؤلفه‌های ارزش‌یابی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، با محتوای برنامه‌ی درسی دین و زندگی ۳، تناسب دارد؟
- ۹- تا چه حد محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، با موقعیت‌ها و نیازهای زندگی فراگیران، تناسب دارد؟
- ۱۰- تا چه حد محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۳، دارای جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی می‌باشد؟
- از این‌رو، مسئله‌ی پژوهش حاضر با این سؤال اساسی مواجه بوده است که از دیدگاه صاحب نظران و دبیران مجرب درس دینی (منابع اطلاعاتی)، محتوای کتاب درسی دین و زندگی سال سوم متوسطه تا چه حد با عناصر یا مؤلفه‌های تعیین‌شده در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد و اساساً جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی آن، چیست؟ مورد توجه قرار دادن یافته‌های این پژوهش و به‌کارگیری آنها می‌تواند تا حد امکان، راه را برای اتخاذ تصمیمات نهایی به‌منظور اصلاحات لازم و کیفیت بخشی محتوای تدوین‌شده، و در نهایت ورود به کلاس درس، هموار سازند.

### تعریف واژه‌ها<sup>۱</sup>

**رویکردها:** رویکردها یا رهیافت‌ها که عموماً ناظر بر دیدگاهها و برگرفته از آنها هستند، و بر عناصر و اجزای یک برنامه پرتوافکنی می‌کنند. در واقع، رویکرد، تقرب به یک دیدگاه است برای سازمان دهی به یک برنامه. رویکرد اصلی در این برنامه، فطرت‌گرا

<sup>۱</sup> برای مطالعه‌ی جزئیات بیشتر این واژه‌ها می‌توان به اصل گزارش پژوهش یا راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی مراجعه کرد.

می‌باشد و اصول منتج از آن شامل کمال‌گرایی، توجه به تفکر عقلی، جمع‌گرایی عقل و عرفان، زیبایی‌گرایی، اعتدال‌گرایی است. فرایند محوری، تلفیق، تعادل میان موضوع محوری و دانش‌آموز محوری در آموزش و خلاقیت نیز جزء رویکردهای مطرح در این برنامه می‌باشد. اصول حاکم بر برنامه‌ی تعلیم و تربیت دینی: برخی از این اصول شامل محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره‌ی معصومین (صلوات‌الله‌علیهم)، توجه به نیازها در آموزش، استفاده از شیوه‌های بیدارگری وجدان و نفس لوامه، فراهم کردن فرصت تفکر و تأمل و... است.

**اهداف کلی دوره‌ی متوسطه:** نمونه‌ای از اهداف در قلمرو شناخت و بینش، باورها و گرایش‌ها، عمل و رفتار، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی، بدین شرح است: تقویت و تعمیق شناخت توحید و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی و سعادت انسان و...، تقویت ایمان به خدا و معاد و توجه به آثار آن در زندگی و...، تلاش برای تنظیم زندگی و عمل بر مبنای ایمان به خدا و آخرت و...، احساس تعهد نسبت به حفظ معیارهای اسلامی در زندگی دنیای امروز....

**اهداف پایه‌ی سوم دوره‌ی متوسطه:** نمونه‌ای از اهداف در چهار قلمرو شناخت و بینش، باورها و گرایش‌ها، عمل و رفتار، و نیز مهارتی؛ مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی چنین است: آشنایی با توحید در خالقیت و ربوبیت و...، کسب مراتبی از تعهد در بیان کردن آثار توحید در زندگی شخصی و جامعه‌ی خویش و...، دوری از اندیشه‌های شرک‌آلود و اعمال مشرکانه و...، بیان توحید در خالقیت و ربوبیت و....

**سرفصل‌های پایه‌ی سوم در جدول وسعت و توالی:** این سرفصل‌ها برگرفته از اهداف پایه‌ی تحصیلی سال سوم متوسطه و مورد استفاده در انتخاب و سازمان دهی محتوای کتاب درسی می‌باشند: توجه به نعمت‌های الهی و علاقه به شکرگزاری، آشنایی با ضرورت هدایت الهی برای رسیدن به کمال و رستگاری، تلاش برای بهره‌مندی از دین در شرایط زندگی دنیای امروز، آشنایی با نقش اجتماعی فرد مسلمان در نظام حکومتی اسلام و....

**اصول انتخاب و سازمان دهی محتوا:** ساختار کتاب درسی مبتنی بر استفاده از آیات شریفه‌ی قرآن، مباحث اعتقادی، فعال بودن دانش‌آموز، رعایت توالی مطالب، بهره‌مندی از هنر، دخالت دانش‌آموز در تدوین بخشی از محتوا، مینا قرار گرفتن هدف‌های مصوب، و... است.

**روش‌های تعلیمی و تربیتی (تدریس):** روش‌های آموزشی پیشنهادی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی که همه‌ی آن‌ها مستلزم رعایت اصل فعال بودن دانش‌آموز است عبارتند از: روش‌های همیاری، پرسش و پاسخ، داستان‌گویی، ایجاد فرصت تأمل با خود، روش تحقیق و مطالعه، روش نمایش و....

مؤلفه‌های ارزش‌یابی: ارزش‌یابی پیشنهادی مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی که در چند بخش و زیرمجموعه‌های آنها در نظر گرفته و تدوین شده، بدین شرح می‌باشد: رابطه‌ی میان اهداف و ارزش‌یابی، ارزش‌یابی از عناصر برنامه (عوامل بیرونی)، ارزش‌یابی از دانش‌آموز (عامل درونی)، جایگاه انواع ارزش‌یابی در تعلیم و تربیت دینی، خود‌ارزیابی دانش‌آموز (محاسبه‌ی نفس).

موقعیت‌ها و نیازهای زندگی فراگیران: منظور، نیازهای فردی و اجتماعی از بعد اخلاق، احکام، پرورش روحیه‌ی خلاقیت، پرورش قابلیت‌های ذهنی و مهارت‌های تفکر، حس مسئولیت دینی و... است.

منابع مختلف اطلاعاتی: صاحب‌نظران و دبیرانی که به‌عنوان نمونه‌ی آماری این پژوهش انتخاب شده‌اند.

### پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی ارزش‌یابی کتاب‌های درسی، قبل از حضور در عرصه‌های اجرایی، ناظر به دریافت نظرات اهل فن در زمینه‌ی مورد مطالعه است. به‌همین دلیل، ماهیت این نوع پژوهش‌ها، متفاوت از سایر پژوهش‌هاست، به‌گونه‌ای که دستاوردهای آنها، صرفاً در اتخاذ تصمیم‌هایی به‌منظور اصلاح و کیفیت‌بخشی کتاب درسی مورد نظر کاربرد دارد. در تأیید این نکته به سخن سیف (۱۳۸۴) اشاره می‌شود که معتقد است «هدف ارزش‌یابی به‌طور عمده، تصمیم‌گیری است».

از آنجا که برنامه‌ی دین و زندگی، در سال ۱۳۷۹ با رویکردی جدید، تهیه و تولید شده است، پیشینه‌ی پژوهشی بسیار محدودی از آن وجود دارد، چرا که در این مدت کوتاه، صرفاً به ارزش‌یابی راهنمای برنامه یا کتاب‌های جدیدالتالیف این برنامه، پرداخته شده است. در این نوع پژوهش‌ها، آنچه به‌عنوان سؤال محوری و مسئله‌ی اصلی، مد نظر پژوهشگر قرار می‌گیرد، تناسب میان محتوای کتاب و مؤلفه‌های مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی یا ارتباط میان عناصر اصلی یک برنامه می‌باشد. در ارتباط با پژوهش حاضر، به دو مورد پژوهش انجام شده و منتخبی از اهم نتایج آنها به‌شکل اجمالی، اشاره می‌شود:

مقصودی (۸۱-۱۳۸۰) در نتایج به‌دست آمده از انجام این پژوهش چنین ذکر می‌کند:

- مفاهیم به‌کار رفته در محتوای کتاب برای دانش‌آموزان قابل درک است. • دانش‌آموزان محتوای کتاب را در افزایش توانایی برای برنامه‌ریزی در زندگی مؤثر می‌دانند. • حجم محتوای دروس با ساعات در نظر گرفته شده، تناسب دارد. • از نظر دانش‌آموزان، دبیران برای تدریس این درس، دارای توانایی‌های لازم می‌باشند.

میرعارفین (۱۳۸۳) نیز با توجه به اطلاعات دریافت شده از این پژوهش نشان می‌دهد که محتوای کتاب در مجموع مورد تأیید است، اما برخی از مباحث و موضوعات به تأمل جدی‌تر و دقیق‌تری نیازمندند. از جمله مواردی که اکثریت منابع اطلاعاتی بر آنها تأکید داشته‌اند یا به لحاظ اهمیت می‌توان آن‌ها را جزء بحث‌برانگیزترین موضوعات و با قابلیت اتکاء بیشتر ذکر کرد و ضرورت دارد تا در بازنگری محتوا در اولویت قرار گیرند، چنینند:

- به جنبه‌های عقلی و استدلالی تفکر توجه شود.
- از سنت و سیره‌ی معصومین (صلوات‌الله‌علیهم)، استفاده گردد.
- بر عفاف و حجاب برای زنان و مردان تأکید بیشتری بشود.
- به عنصر زمان و انعطاف‌پذیری در محتوا، دوران بلوغ و احکام آن در خصوص نیازهای جوان و نوجوان، توجه خاص مبذول گردد.
- حجم محتوا و زمان آموزش، مورد بازنگری قرار گیرد.
- مبحث برزخ و معاد به دلیل اهمیت، مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

رویکرد اصلی برنامه و اهداف تلفیقی بین دو درس قرآن و دینی به شفاف‌سازی نیازمند است.

### روش اجرای پژوهش

این پژوهش از حیث روش، جزء پژوهش‌های توصیفی و پیمایشی محسوب می‌شود که با مطالعه‌ی کلیه‌ی منابع مربوط به موضوع و به‌منظور دستیابی به اطلاعات دقیق و جامع درخصوص تناسب محتوای کتاب با مؤلفه‌های اساسی برنامه‌ی درسی و نیز آشکار کردن جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی، به تهیه و تنظیم پرسش‌نامه‌ها، مبادرت گردید. پس از بازنگری پرسش‌نامه‌ها طبق نظرات و نیازهای گروه درسی تعلیم و تربیت دینی، دریافت روایی و تأیید ناظر طرح، اقدامات بعدی از قبیل تکثیر و آماده‌سازی ابزارها، راهنمای برنامه‌ی درسی و پیش‌نویس تایپ‌شده‌ی کتاب درسی دین و زندگی ۳، انتخاب و تعیین صاحب‌نظران با هماهنگی مسئول گروه درسی مربوط و تماس با صاحب‌نظران به‌منظور کسب اجازه برای استفاده از نظریات آنان و تعیین وقت قبلی برای مصاحبه، به‌عمل آمد. آن‌گاه، نامه‌ای با امضای مدیر کل دفتر به‌همراه منابع مذکور از طریق انجام مکاتبات اداری، برای منابع مختلف اطلاعاتی ارسال شد. طبق هماهنگی‌های قبلی، مصاحبه‌ها انجام و ضبط شدند و پرسش‌نامه‌ها نیز دریافت و اطلاعات، استخراج گردید. سپس گزارش اولیه، حاصل از اطلاعات مربوط به پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌های انجام‌شده به‌منظور آگاهی از نقاط قوت و اشکالات احتمالی محتوای کتاب، رفع نقائص و بهبود کیفی مباحث آن، در کوتاه‌ترین زمان ممکن به مسئول گروه درسی مربوط، ارائه شد. با دریافت کامل اطلاعات؛ استخراج، دسته‌بندی، تنظیم و بازنگری آنها و نیز تایپ گزارش نهایی در دستور کار، قرار گرفت.

## جامعه و نمونه‌ی آماری

در ارزش یابی برنامه‌های درسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، معیارها و اصولی مد نظر قرار دارد (راهنمای اعتباربخشی، ۱۳۸۰) که ارزش یابی کتاب درسی دین و زندگی سال سوم متوسطه نیز برای استفاده از دیدگاههای صاحب‌نظران و دبیران این درس، از همین رویه پیروی کرده است. این اصول عبارتند از: جامع‌بودن همه‌ی عناصر و ارکان برنامه‌ی مورد بررسی، پاسخ‌گوبودن یافته‌ها و منجرشدن به اصلاح برنامه، هماهنگی و همخوانی اجزای طرح و روش‌شناسی آن در راستای نیازهای برنامه‌ریزان و استانداردهای دفتر، رعایت اصول علمی و مبانی نظری از آغاز طرح تا تولید یافته‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، بی‌طرفی و پرهیز از هرگونه پیش‌داوری در تحلیل یافته‌ها. در همین راستا از میان صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی شامل متخصصان دانشگاهی و کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی: ۶ نفر، موضوعی: ۷ نفر و حوزه‌های علمیه: ۷ نفر یعنی مجموعاً ۲۰ نفر با هماهنگی مسئول گروه درسی مربوط و نیز کلیه‌ی سرگروه‌های آموزشی یا دبیران ستاد اعتلای درس دینی و قرآن دوره‌ی متوسطه در سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌های کشور و سازمان آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران به‌عنوان دبیران مجرب که در این پژوهش تحت عنوان «دبیران»، از آنها نام برده شده: ۳۱ نفر،<sup>۱</sup> انتخاب و به‌منظور دریافت اطلاعات، در نظر گرفته شدند. یادآور می‌شود که مهم‌ترین معیار در نظر گرفته‌شده برای صاحب‌نظران، همکاری و آشنایی با مسائل و موضوعات آموزش و پرورش، بوده است.

## ابزارگرد آوری اطلاعات

برای استفاده از نظریات کلیه‌ی منابع مختلف اطلاعاتی، دو نوع ابزار در نظر گرفته شد: (۱) پرسش‌نامه‌ی بازپاسخ؛ (۲) مصاحبه.

به‌منظور کسب اطلاعات مورد نیاز و دقت‌نظر بیشتر در انجام پژوهش، با مراجعه به اسناد و مدارک مربوط و مطالعه‌ی دقیق آنها از قبیل کتاب درسی دین و زندگی ۳،<sup>۲</sup> راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، گزارش ارزش یابی کتاب دین و زندگی سال دوم و نیز اخذ نظریات مسئول گروه درسی، به تهیه و تدوین پرسش‌نامه‌های صاحب‌نظران و دبیران درس دینی و قرآن، مبادرت گردید. با توجه به تجربیات پژوهشگر، پرسش‌نامه‌ها در چهارچوبی نیمه ساختاری، طراحی و تنظیم شدند.

برای تعیین روایی این نوع ابزار که ماهیتاً کیفی بوده است، از روایی محتوایی<sup>۲</sup> استفاده شد، یعنی چهارچوب پرسش‌نامه‌ی نیمه‌ساختاری در قالب مجموعه‌ای از پرسش‌های

<sup>۱</sup> پژوهشگر با پی‌گیری بسیار، مجموعاً توانست از تعداد ۱۵ صاحب‌نظر و ۱۹ دبیر، اطلاعات مربوط را دریافت کند.

<sup>۲</sup> Content Validity

موردنظر در زمینه‌ی مؤلفه‌های برنامه و مباحث و موضوعات کتاب درسی، در اختیار مسئول گروه درسی، کارشناس گروه پژوهش دفتر، متخصص برنامه‌ریزی درسی و نیز ناظر طرح به‌عنوان آگاه‌ترین افراد قرار داده شد. آن‌گاه با بهره‌جستن از دیدگاه‌های آنان به‌ویژه مسئول گروه درسی، بخش‌هایی از سؤال‌های پرسش‌نامه‌ها که ضرورتی نداشتند، حذف و بخش‌های مورد نیاز، اضافه شدند. بنابر این، پرسش‌نامه‌ها، بازنگری و در چند بخش به‌شکل کیفی، تنظیم شدند که به پاسخ‌دهنده این امکان داده می‌شد تا توضیحات خود را مکتوب یا از طریق مصاحبه مطرح نماید. بدین ترتیب که در بخش اول پرسش‌نامه‌ها، سؤال‌هایی در خصوص تناسب محتوای کتاب با مؤلفه‌های اساسی مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی طرح شد. بخش دوم در پرسش‌نامه‌ی دبیران، امکان بررسی محتوای کتاب را به‌تفکیک هر صفحه، مسیر می‌ساخت. بخش دوم در پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران با بخش سوم در پرسش‌نامه‌ی دبیران، به طور مشترک محورهای درباره‌ی محتوای کتاب از قبیل رعایت اصول مورد نظر در متن درس‌ها، عناوین، فعالیت‌های یادگیری، تناسب حجم محتوای کتاب با زمان پیش‌بینی‌شده و... طراحی شدند. بخش پایانی پرسش‌نامه‌ها نیز به طور مشترک، به سایر نظرات و پیشنهادهای منابع مختلف اطلاعاتی اختصاص داشت. همچنین به‌منظور حصول از اجرای مناسب و دقیق‌تر ابزارها، اعتبار آنها به‌هنگام پاسخ‌گویی به سؤالات پرسش‌نامه‌ها که با یک دستورالعمل مشروح همراه بود، توسط کلیه منابع اطلاعاتی و نیز در زمان انجام مصاحبه با صاحب‌نظران تعیین شد. به‌عبارتی ابزار پژوهش از سوی اکثریت قریب به‌اتفاق صاحب‌نظران و دبیران، معتبر تشخیص داده شد.

#### شیوه‌ی تجزیه و تحلیل اطلاعات

به‌دلیل آن‌که این پژوهش، مطالعه‌ای از نوع کیفی بود، استفاده از شاخص‌های کمی مانند پرسش‌نامه‌های سازمان‌یافته یا بسیار سازمان‌یافته به‌همراه مقیاس‌های چندگزینه‌ای، جداول فراوانی و درصد میسر نبود. لذا با دریافت اطلاعات از منابع مختلف اطلاعاتی و با بصیرت‌های حاصل از نتایج؛ به استخراج، دسته‌بندی، توصیف و تبیین آنها به‌شکلی جامع و شفاف، میادرت گردید و با ارائه‌ی اطلاعات کیفی مربوط به هر مؤلفه و تعیین اهم مباحث در جریان تحلیل، تفسیر و تعبیر موارد و موضوعات مطرح‌شده، به جمع‌بندی نهایی پرداخته شده است. بدین‌منظور در هر سؤال پژوهشی؛ اطلاعات به‌دست‌آمده و داده‌های موردنیاز، به‌صورت توصیفی و به‌تفکیک نقل‌قول‌های مستقیم و دسته‌بندی شده از منابع مختلف اطلاعاتی در خصوص عناوین زیرمجموعه‌ی هر سؤال، مشاهده می‌شوند. در پایان نیز پژوهشگر از طریق یک بررسی و مطالعه‌ی همه‌جانبه در خصوص مؤلفه‌ها و محورهای مورد

سؤال و با تعیین معیارهای کیفی، به تجزیه و تحلیل، و جمع‌بندی اهم مباحث مطرح شده، نایل آمده است. این جمع‌بندی‌ها یا نتیجه‌گیری‌ها، جزء مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین کلیه‌ی موارد تأییدشده یا مضامین انتقادی متفاوت و متنوعی محسوب می‌شوند که گروه‌های پاسخ‌دهنده در بازنگری به منظور تغییر، اصلاح یا غنا بخشیدن محتوای کتاب، آنها را مدنظر قرار داده‌اند و از نظر پژوهشگر از اولویت و برجستگی بیشتری برخوردارند.

توضیح بیشتر آن‌که در پژوهش کیفی<sup>۱</sup>، پژوهشگر به‌طور عمیق، اظهارنظرهای پاسخ‌دهندگان را بررسی می‌کند و در نتیجه‌گیری؛ بر اساس تشخیص، درک و بینش، دانش، نگرش و تجارب خود، و نیز با توجه به میزان اهمیت و قابلیت پاسخ‌گویی به موضوع مورد نظر (به‌منظور تصمیم‌سازی) به برجسته‌سازی برخی از آنها می‌پردازد. به‌زعم دلاور (۱۳۸۷)، پژوهشگر کیفی، داده‌های جمع‌آوری‌شده را که از یادداشت‌های میدانی تشکیل شده‌اند، به‌منظور تعیین رویدادهای پر اهمیت، احساسات و الگوهای رفتاری، تجزیه و تحلیل می‌کند. وی در این خصوص اظهار می‌دارد: «توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی‌شده، حاصل اطلاعات جمع‌آوری‌شده می‌باشند». لذا می‌توان گفت از آنجا که در پژوهش‌هایی از نوع ارزش‌یابی برنامه یا کتاب درسی، تأکید و تکیه‌ی اصلی پژوهشگر بر اهمیت مباحث مطرح‌شده به‌منظور اصلاح و کیفیت‌بخشی محتواست؛ ارائه‌ی اعداد و ارقام برای یک دیدگاه، معنای خود را از دست می‌دهد و استناد به آراء گوناگون در خصوص یک مؤلفه، از دو جنبه‌ی تأیید یا انتقاد، بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد. اگرچه در پژوهش‌های کیفی، استفاده از دو طیف دیدگاهها تحت عنوان اکثریت یا اقلیت نیز می‌تواند دیدگاه‌های پاسخ‌دهندگان را مورد تأکید قرار دهد، اما ارزش‌یابی کتاب درسی به‌منظور غنی‌سازی آن، بیشتر در جستجوی اظهارنظرهایی است که بتوانند به‌دور از ابهامات و به‌طور شفاف راهنمای عمل تهیه‌کنندگان برنامه یا کتاب قرار گیرند. از این رو عطف توجه برنامه‌ریزان درسی، به نوع و کیفیت دیدگاه‌هاست، نه تعداد آنها. چه‌بسا یک اظهارنظر در باره‌ی یک مؤلفه، مبنای اساسی اتخاذ تصمیم، تغییر و اصلاح محتوای مربوط به موضوع قرار گیرد.

### یافته‌های پژوهش<sup>۲</sup>

در این بخش به‌منظور پرهیز از اطناب، به ارائه‌ی برخی از محوری‌ترین و کلیدی‌ترین اظهارنظرهایی پرداخته می‌شود که یا در مقام تأیید مطرح شده‌اند، یا جزء مضامین و نکات انتقادی به‌شمار می‌آیند، که از نظر نگارنده به منزله‌ی عطف توجه، تأکید و تأثیرگذاری

<sup>۱</sup> Qualitative Research

<sup>۲</sup> برای مطالعه‌ی دقیق‌تر جزئیات در هر مؤلفه‌ی برنامه‌ی درسی، به نسخه‌ی اصلی گزارش در «مركز منابع» دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، مراجعه شود.



بیشتر در اتخاذ تصمیمات نهایی گروه درسی مربوط، تلقی می‌شوند. به عبارتی اگرچه در ظاهر، دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده اما برداشت کلی از آنها، یا گرایش به سمت تأیید است یا انتقاد و بعضاً عدم جهت‌گیری. لذا موارد مطرح‌شده، از اهم موارد و جمع اظهارنظرهایی می‌باشد که در قالب یک نظر و از قول منابع اطلاعاتی ارائه شده است و می‌تواند به‌عنوان نماینده‌ی دیدگاه‌ها، طیف اکثریت یا اقلیت را تحت پوشش قرار دهد. شایان ذکر است که این عناوین مطرح‌شده در ذیل، محورهای اصلی سؤال‌های پژوهش به‌شمار می‌آیند که بعضاً نقل قول مستقیم نیز مشاهده خواهد شد.

#### تناسب محتوای کتاب با رویکردها

با استناد به اکثریت دیدگاه‌های ارائه‌شده می‌توان دریافت که حضور رویکردهای مطرح، در محتوای کتاب درسی مورد تأیید است. به‌گفته‌ی منابع اطلاعاتی، کتاب در بحث نبوت، دین اسلام را به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان و بهترین برنامه‌ی زندگی برای رسیدن به کمال و سعادت حقیقی، معرفی کرده است و مباحث و مطالب ارائه‌شده نیز با نیازهای فطری انسان در نیل به کمال، انطباق دارند. به‌زعم آنان یکی از نکات مثبت کتاب، توجه به رویکرد تفکر عقلی (به‌عنوان وسیله‌ی تشخیص صحیح از غلط و خوبی از بدی، و راهنما و چراغ راه) است اما خطری که نباید از آن غافل شد، گرفتاری در دام پلورالیزم و تکثرگرایی است. پاسخ‌دهندگان اظهار می‌دارند که ماهیت دروس به‌گونه‌ای است که توجه بیشتری را نسبت به تفکر عقلی به‌منظور افزایش ضریب اثربخشی معارف دینی می‌طلبد. ایشان همچنین درج فعالیت‌هایی تحت عناوین تفکر، تطبیق، بررسی، نمونه‌یابی و تدبیر در آیات را بهترین فرصت برای تفکر عقلی دانش‌آموزان می‌دانند که زمینه‌ی رشد فکری مطابق با نیازهای فطری آنان را فراهم می‌کند. اظهارنظرها در خصوص ارتباط عقل و عرفان، نشان از آن دارند که با توجه به دلایل عقلی، این دو با هم تضاد نداشته و ندارند، چراکه بسیاری از اندیشمندان بزرگ جهان تشیع، هم متفکر و فیلسوف بوده‌اند و هم عارف. به‌همین دلیل، در این خصوص، تضادی بین مباحث کتاب مشاهده نکرده‌اند. همچنین به باور منابع اطلاعاتی، مباحث مربوط به امامت به‌خصوص مبحث «موعود جهانی» تا پایان کتاب به‌طرز باشکوهی؛ مضامین عرفانی را در لابه‌لای ادعیه و روایات، و نیز داستان‌هایی از زندگی ائمه به‌ویژه در مباحث «زیباترین پیوند آسمانی» و «مقدس‌ترین خانواده» عرضه کرده و با ظرافت خاصی با عقل انسان پیوند داده است. در زمینه‌ی رویکرد تلفیقی (وحدت شخصیتی در سازگاری میان اندیشه و عمل) چنین بیان شده: «با توجه به این‌که علاوه بر «باروری اندیشه» به هدف «دینداری» نیز عنایت ویژه‌ای شده؛ بنابر این، اصل تلفیق رعایت

شده است». منابع اطلاعاتی در خصوص رویکرد خلاقیت (توجه به دو مرتبه‌ی مادی و معنوی انسان و فتح حصارهای درونی و صعود به قله‌های رفیع انسانیت) نیز اعتقاد دارند که در کتاب، هم به خلاقیت فکری و هم به خلاقیت اصلاحی که از طریق خودسازی انسان و رهایی از زندان تن و نفس حاصل می‌شود؛ اشاره شده است اما این نوآموزی نباید منجر به بدعت در دین گردد.

تعداد اقلیتی از پاسخ‌دهندگان نیز در انتقاد از تناسب محتوای کتاب با رویکردها، مواردی را مطرح کرده‌اند و برخی دیگر بدون ارائه‌ی جهت‌گیری خاص، به توصیه‌هایی پرداخته‌اند. این گروه معتقدند که برخی از موارد مانند شناساندن مصادیق کمال به مخاطب، نیاز به تلاش بیشتری دارد زیرا کمال‌گرایی (گرایش انسان به اوصاف الهی و کامل‌شدن در این مسیر)، فطری و اثبات آن به آسانی قابل محقق‌شدن است، آن‌هم به این دلیل که ریشه‌ی بسیاری از مشکلات رفتاری، تشخیص مصادیق کمال است. در بحث از زیبایی‌گرایی، یکی از صاحب‌نظران می‌گوید: «متن معارف دینی ما زیباست، نکته این است که شیوه‌ی ارائه‌ی ما باید زیبا باشد». پاسخ‌دهندگان در خصوص رویکرد فرایندمداری (کسب یک دانش یا رسیدن به یک نگرش و توانایی در یک مهارت، طی فرآیند آموزشی گام به گام) نیز بر این باورند که باید بر روش یادگیری و چگونه آموختن، و آموزش مهارت‌های تفکر بیشتر تأکید شود. لذا از این نظر، رویکرد برنامه ضعیف و بیشتر بر مستقیم‌گویی مطالب و استفاده از شواهد و دلایل تأکید شده است که به نظر کافی نمی‌آید. باید توجه داشت که رویکرد فرایندمداری، صرفاً حل مسئله‌ی پژوهش نیست؛ مواردی چون حیرت‌کردن و تعجب تا جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل، تفسیر، نتیجه‌گیری و تعمیم؛ از مراحل فرایندمداری است که باید در آموزش دینی به‌کارگرفته شود. منابع اطلاعاتی هم‌چنین تأکید می‌کنند که وقتی از رابطه‌ی دین و زندگی سخن می‌گوییم؛ مثال‌ها و شواهد ما باید با نمونه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در زندگی گذشته به‌ویژه اکنون و آینده، همراه شود.

#### *تناسب محتوای کتاب با اصول حاکم بر برنامه‌ی تعلیم و تربیت دینی*

اکثریت دیدگاه‌های صاحب‌نظران و دبیران، در مقام تأیید این تناسب بوده و حاکی از آن است که کتاب، آیات قرآن را محور تحلیل و تبیین و تکیه‌گاه اصلی دروس قرار داده و به تناسب، از روایات نیز بهره گرفته است. پرهیز از ایجاد تشکیک از طریق بیان آیات و روایات به‌طور مستند، از جمله مواردی است که مورد تأیید پاسخ‌دهندگان می‌باشد. آنان طرح مسائل مربوط به توحید و فضیلت‌های انبیا را بسیار عالمانه می‌دانند و معتقدند که نوع داوری کتاب، زبان و بیان طرح مسائل، منصفانه است و پرسش‌ها، فعالیت‌ها و محتوای

کتاب؛ روحیه‌ی حقیقت‌جویی و انصاف را در دانش‌آموز تقویت می‌کند. منابع اطلاعاتی اظهار می‌دارند که مطالب کتاب این بینش را ایجاد می‌کند که باید تعریفات را از حقیقت دین، بازشناخت. ایشان برای تقویت مهارت‌های ذهنی؛ مجموعه‌ی پرسش‌ها و فعالیت‌ها را مؤثر ذکر می‌نمایند و می‌گویند: «در صورت اجرای این برنامه و مراقبت در زمان اجرا، کتاب می‌تواند مهارت‌های پژوهش و اندیشیدن را نیز تقویت کند». گروه‌های پاسخ‌دهنده هم‌چنین در طرح نکات انتقادی و بعضاً عدم جهت‌گیری خاص؛ محتوای کتاب را برای حضور در دنیای امروز، چندان پربار ارزیابی نمی‌کنند و در توجه به نیازهای جوانان و پاسخ به شبهات ذهنی آن‌ها، اعتقاد دارند که کتاب ضعیف عمل کرده است. آنان خواهش‌اند بحث امامت به‌صورت استدلالی، بیشتر از آنچه که مطرح شده، ارائه گردد و بر این باورند که باید توجه داشت مبدا با عنوان طرد خرافه، برخی از سنت‌های دینی، مورد غفلت قرار گیرند. منابع اطلاعاتی در خصوص سلوک فردی و اجتماعی بیان می‌دارند: «با توجه به این‌که بخشی از مباحث امامت به زمان حاضر اشاره دارند؛ در ایجاد تعهدات اجتماعی، تلاش بیشتری لازم است». هم‌چنین، بحث تقدم مصلحت جمع بر مصلحت فرد، به‌خصوص امر به معروف و نهی از منکر، و نیز بروز اخلاق کریمانه و محترمانه در نسل جوان امروز را در کتاب، بسیار ضعیف ارزیابی کرده‌اند و اظهار می‌دارند که تقویت این فرایند باید به‌عنوان یکی از محورهای اصلی کتاب، قرار گیرد. آنان نگاه واقعی داشتن به نیازهای جوانان در دنیای امروز و ارائه‌ی راهکارهای عملی را مورد تأکید قرار داده‌اند.

#### تناسب محتوای کتاب با اهداف کلی دوره‌ی متوسطه

اگرچه با استناد به اطلاعات به‌دست آمده، بسیاری از دیدگاه‌ها در مقام تأیید بیان شده‌اند، اما بیشترین گرایش بر مضامین انتقادی یا عدم جهت‌گیری خاص به‌منظور اصلاح، تکیه دارد. منابع اطلاعاتی، ارتباط اهداف کلی با محتوای کتاب را بیشتر در قلمرو شناخت و بینش و نیز قلمرو باورها و گرایش‌ها ذکر کرده‌اند که از جمله‌ی آن اهداف می‌توان به این موارد اشاره کرد: آشنایی با ضرورت هدایت الهی و نقش انبیا، به‌خصوص پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در تاریخ اسلام؛ تقویت توانایی درک معنای عبارات و آیات قرآن کریم؛ آشنایی با معصومین بزرگوار (صلوات‌الله علیهم) به‌عنوان هدایت‌گران انسان‌ها و اسوه‌های آنان در زندگی؛ شوق و رغبت به قرائت قرآن کریم و تدبر در آن؛ احساس تعهد نسبت به حفظ معیارهای اسلامی در زندگی دنیای امروز. هم‌چنین یکی از مضامین انتقادی مطرح‌شده توسط آنان که نیاز به عطف توجه بیشتر را نشان می‌دهد، ضعف آشنایی با مبانی حکومت اسلامی در عصر غیبت و برخی از نظرات و شبهات در این خصوص است.

پاسخ‌دهندگان، همچنین بر این باورند که به مبحث اعجاز قرآن و برخی از مباحث علوم قرآنی، کمتر اشاره شده و لازم است به سیره‌ی عملی توجه شود، زیرا سنت و سیره‌ی عملی در امور فردی و اجتماعی، مسائل اقتصادی، سیاسی، هویت‌پروری و استقلال‌گرایی جوانان، می‌تواند الگوی مناسبی محسوب شود. به‌علاوه در اهمیت موضوع دین در دنیای جدید به‌خصوص در عرصه‌ی جهانی و مورد تهدید واقع شدن آن، بیان حقایق و نقش دین در بهبود وضعیت زندگی دنیایی و پاسخ‌گویی به نیازهای جوانان را، ضرورت تام دانسته‌اند. آشنایی با اهم برنامه‌ها و وظایف جوان مسلمان نسبت به خدا، خود، جامعه و طبیعت از دیگر اهدافی است که از حیث عدم توجه کافی، مورد انتقاد پاسخ‌دهندگان قرار گرفته است. افزون بر این، آنچه که مورد تأکید اکثریت منابع اطلاعاتی می‌باشد، عطف توجه و تلاش بیشتر در ارائه‌ی الگوهای عملی برگرفته از زندگی پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) در زندگی فراگیران است.

#### تناسب محتوای کتاب با اهداف پایه‌ی سوم متوسطه

با استناد به اطلاعات دریافت‌شده در این بخش، اکثریت دیدگاهها حاکی از تأیید تناسب مذکور می‌باشد. در برخی از مباحث نیز اقلیتی از پاسخ‌دهندگان به طرح نکات انتقادی پرداخته‌اند و عطف توجه بیشتر را از سوی برنامه‌ریزان طلب نموده‌اند. برخی از اهم مواردی که در مقام تأیید مطرح شده بدین شرحند: تلاش برای آشنایی با اهداف رسالت پیامبران و احساس نیاز به آن‌ها، باید در جهت بهره‌گیری و تبعیت از برنامه‌های سعادت‌آفرین باشد و این امر در کتاب موردنظر مشاهده می‌شود؛ در عمده‌ی دروس و به اقتضای مباحث، به سنت و سیره‌ی پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و ائمه‌ی اطهار (صلوات‌الله علیهم) پرداخته شده است؛ محبت احساس نیاز به هدایت الهی، در لابه‌لای مباحث مربوط، به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا بسیاری از منابع اطلاعاتی اذعان داشته‌اند از آنجایی که موضوع اصلی کتاب، نبوت، امامت و حکومت اسلامی می‌باشد، این هدف محقق شده است. در عین حال پاسخ‌دهندگان در خصوص تحقق یکی از مهم‌ترین اهداف با نام «راه زندگی»، اظهار داشته‌اند که بیان شیوه‌های صحیح استفاده از اوقات فراغت و نمونه‌های درست استفاده از امکانات جدید در کتاب، ضروری است. به‌زعیم این گروه، مباحثی درباره‌ی پیوستگی ادیان الهی و متناسب‌بودن معجزات هر دین با باورهای مردم آن قوم و نقش دین در زندگی انسان، مطرح نشده است. همچنین شناخت رابطه‌ی صحیح توحید با شفاعت معصومین (علیهم‌السلام) در کتاب از نظر ایشان به‌شکل آشکار و شفاف مشاهده نمی‌شود. آنان در بحث حکومت اسلامی در عصر غیبت، طرح برخی از شبهات و مسائل موجود در

جامعه‌ی کنونی را ضروری ذکر نموده و معتقدند که در زمینه‌ی مبحث ارتباط با خدا، خود و جامعه؛ ضعیف عمل شده است.

#### تناسب محتوای کتاب با سرفصل‌های پایه‌ی سوم در جدول وسعت و توالی

در مجموع با نگاهی به اکثریت دیدگاه‌های منابع اطلاعاتی، می‌توان دریافت که همخوانی محتوای کتاب با سرفصل‌های پایه، مورد تأیید است. در برخی از مباحث نیز دیدگاه‌های ارائه‌شده از حیث پرداختن به نکات انتقادی قابل تأمل است که به برخی از اهم موارد هر طیف اشاره خواهد شد. در مقام تأیید، عقیده بر این است که نقش منحصر به‌فرد پیامبران الهی در دستیابی به سعادت، تقویت حب معصومین (صلوات‌الله علیهم) و میل به تبعیت از ایشان و نیز الگو قرار دادن آنان در زندگی نسل جوان در نظر گرفته شده است. منابع اطلاعاتی، همچنین در استفاده از آیات قرآن در کتاب اظهار داشته‌اند که بر پیشانی همه‌ی درس‌ها، آیات قرآن قرار دارد و گاه به‌صورت فعالیت و پژوهش نیز به قرآن ارجاع داده شده و مباحث، عشق و علاقه و تدبیر در قرآن را به‌خوبی مطرح کرده‌اند. به‌باور ایشان توالی شناخت، محبت و اطاعت در مبحث امامت و الگو قرار دادن آنان در زندگی نسل جوان، با مفاهیم موجود در کتاب متناسبند. به‌علاوه عنوان نموده‌اند که کتاب، بحث امامت را خیلی زیبا طرح کرده و با اهداف، کاملاً همخوانی دارد. به‌اعتقاد این گروه در لابه‌لای بحث‌ها، به سنت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و سیره‌ی ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) اشاره شده است. در فصول پایانی، این موضوع را به‌گونه‌ای چشمگیرتر ارزیابی کرده‌اند. همچنین مبحث مرتبط با انسان در اسلام و آرمان‌های موردنظر با موضوعات و مباحث کتاب را همسو دانسته‌اند. در مقابل؛ گروه اقلیتی، برخی از نکات را که جنبه‌ی انتقادی و تأکیدی دارند، نیز مطرح کرده‌اند. در این خصوص آنان اظهار داشته‌اند که باید جنبه‌های کمال دین اسلام و برتری آن نسبت به سایر ادیان با توجه به نقش اسلام در جوامع اسلامی، مطرح گردد. به‌اعتقاد منابع اطلاعاتی، مسائلی در حدود قلمرو شناخت و بینش از جمله حقوق و مسئولیت‌های جوان و حدود آزادی در جامعه‌ی اسلامی مطرح نشده است. به‌باور آنان، در خصوص شیوه‌های درست استفاده از تلویزیون، اینترنت، سینما و اوقات فراغت، مبحثی در کتاب دیده نمی‌شود. پاسخ‌دهندگان، همچنین معتقدند که مواردی در خصوص آشنایی با آثار عفت، مشورت با اهل نظر، تلاش برای نقش فعال در نظام اسلامی، سعی در تکمیل برنامه‌ی زندگی، شجاعت اخلاقی و توانایی در مقابل بدکاران، روزه‌های واجب و کسب امیدواری در زندگی، مطالبی ارائه نشده است. تلاش برای بهره‌مندی دین در شرایط زندگی دنیای امروز از جمله اهدافی است که به‌منظور عطف توجه

بیشتر مورد تأکید قرار گرفته و گفته شده در بخش مربوط به اجتماع و عدالت اجتماعی در رفتار و تحقق عدالت در جامعه‌ی اسلامی و برخی از مسائل خانواده، لازم است با صراحت بیشتری به موضوع پرداخته شود.

#### تناسب محتوای کتاب با اصول انتخاب و سازمان دهی محتوا

در مجموع، آنچه که از اطلاعات دریافت‌شده در این بخش می‌توان استنباط کرد، تأیید اکثریت آرا می‌باشد. اگرچه برخی از موارد در مقام انتقاد مطرح‌شده از سوی منابع اطلاعاتی نیز مشاهده می‌شوند، به اعتقاد تأییدکنندگان، محوریت قرآن در تمام مطالب کتاب دیده می‌شود و زمینه‌ی انس با قرآن برای دانش‌آموزان فراهم است به گونه‌ای که دانش‌آموزان به سمت تدبر و تفکر در قرآن گرایش پیدا می‌کنند. به‌زعم آنان، کتاب، مهارت‌های ذهنی دانش‌آموز را از طریق فعالیت‌های یادگیری، توسعه می‌بخشد و همین امر؛ توجه، علاقه و رغبت دانش‌آموز را به مطالب بیشتر می‌کند. در همین خصوص یکی از صاحب‌نظران می‌گوید: «در فعالیت‌ها و تمرین‌های دروس به‌ویژه در فعالیت‌هایی با عنوان «تفکر»، «تطبیق» و «تدبر در آیات»؛ دانش‌آموزان به مطالعه و تفکر در قرآن دعوت شده‌اند». در بخش دیگری از اصول تحت عنوان «تنظیم متن با عنایت به فعالیت دانش‌آموزان»، پاسخ‌دهندگان بیان می‌دارند که بخش عمده‌ای از محورهای کتاب با فعالیت دانش‌آموزان تکمیل می‌شود. به‌باور آنان از آنجا که کتاب، بخشی از مطالب را به‌منظور فراگیری به دانش‌آموزان واگذار می‌کند؛ لذا از انباشت اطلاعات، جلوگیری می‌شود و آموزش، عمیق‌تر اتفاق خواهد افتاد. در مقابل، هر دو گروه پاسخ‌دهنده بر این باورند که وجود کتاب‌های کمک‌درسی، مانع ایجاد فرصت برای فعالیت‌های یادگیری چندگانه محسوب می‌شوند. ایشان معتقدند محتوای آموزشی با قوه‌ی درک این گروه سنی، مطابقت دارد اما تأکید می‌کنند که علاقه، باید توسط معلم ایجاد شود. در اهمیت مبحث هنر، یکی از نکات مطرح شده و جالب توجه، چنین است: «ریختن مطالب در قالب‌های هنری، تلاش بسیار می‌خواهد. عیبی ندارد! این یک جهاد فرهنگی است که باید آن را جدی بگیریم! نمی‌دانم نیروهای خط‌شکن این جبهه کجا نشسته‌اند؟! کاش بر می‌خاستند و...». منابع اطلاعاتی همچنین در این بخش، بیشترین ضعف را متوجه کثرت اهداف و محدودیت محتوا با توجه به محدودیت ساعت‌های درسی در برنامه‌ی هفتگی دانسته‌اند. به اعتقاد آنان، با وجود نیاز شدید جوانان به احکام و مسائل عملی اسلام در این سن و سال، متأسفانه در کتاب جایی برای احکام در نظر گرفته نشده است. این گروه متذکر می‌شوند که زندگی معصومان (صلوات‌الله علیهم) به‌خوبی بیان شده، اما جنبه‌ی الگوگیری و اسوه‌بودن، مورد توجه قرار

نگرفته است. همچنین بیان می‌دارند که مباحث کتاب می‌توانست ساده‌تر، زیباتر و مبتنی بر بخشی از پرسش‌های نسل نوجوان و جوان باشد.

#### تناسب محتوای کتاب با روش‌های تعلیمی و تربیتی

اکثریت دیدگاه‌های دریافت‌شده در این بخش، حاکی از آن است که به‌طور کلی روش‌های تدریس پیش‌بینی‌شده، در کلاس قابل اجرا هستند. اگرچه در همین خصوص انتقاداتی نیز وارد نموده‌اند که برنامه‌ریزان درسی مربوط را به تلاش بیشتر در این زمینه وامی‌دارد. منابع اطلاعاتی در مقام تأیید اذعان داشته‌اند که روش همیاری تا حد زیادی در تمامی مباحث کتاب قابل استفاده است چون دانش‌آموزان عملاً "در یادگیری مباحث، درگیر می‌شوند. آنان معتقدند کتاب سعی کرده دانش‌آموزان را به تأمل و تفکر، وادار کند. پاسخ‌دهندگان، همچنین بیان می‌کنند که با کاربرد شیوه‌های صحیح مطالعه و تحقیق در تمامی موضوعات، دانش‌آموز به مرزهای خارج از کتاب دعوت می‌شود و قدرت خلاقیت، تجزیه و تحلیل و استنباط او را افزایش می‌دهد. به اعتقاد ایشان، در روش الگو و اسوه، استفاده از احادیث به‌منظور جهت‌گیری‌های اسلامی در موضوعات، از کارآیی خوبی برخوردار خواهد بود. از این‌رو دبیران برای استفاده از روش‌های آموزشی مطرح‌شده، به آموزش‌های ضمن خدمت، نیاز دارند. به‌علاوه دبیران می‌توانند طبق شرایط موجود در کلاس و به‌تناسب، از روش‌های مورد نظر استفاده کنند. آنان روش کفرانس دانش‌آموزی را بهترین روش برای بیان خلاقیت، افزایش اعتماد به‌نفس دانش‌آموزان و در راستای اهداف آموزشی می‌دانند و بر این عقیده‌اند که در کتاب، به این روش توجه شده است. در عین حال، منابع اطلاعاتی اظهار می‌دارند چون بیشتر موضوعات کتاب، متکی بر آیات قرآن کریم و احادیث است، روش پرسش و پاسخ، کاربرد کمتری دارد مگر آن‌که معلم، خود، مباحثی را مطرح کند.

به‌زعم آنان اگرچه روش سخنرانی برای کلاس‌ها مفید نیست اما در صورتی آن را مطلوب و مناسب دانسته‌اند که با همکاری و راهنمایی دقیق معلم انجام شود. این گروه با آن‌که تناسب طراحی محتوای کتاب را به روش تدریس نمایشی مورد تأیید قرار داده‌اند اما در همین راستا تأمین مهارت‌های حرفه‌ای معلم را از طریق آموزش‌های عملی ضمن خدمت و ارائه‌ی فیلم‌های آموزشی به آنان، ضروری‌ترین اصل در اجرای روش‌های تدریس مورد نظر دانسته‌اند. به‌عبارتی آنان نقش معلم را در کاربرد صحیح روش‌های تدریس، اساسی قلمداد کرده‌اند. گروه‌های پاسخ‌دهنده، موضوعیتی برای روش مشاهده و تحلیل مشاهدات قائل نشده‌اند و برخی از روش‌های دیگر از جمله خلق موقعیت برای داوری، ایجاد فرصت تجربه‌کردن و لذت‌بردن از تجربه، و تشویق و تنبیه را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

## تناسب محتوای برنامه با مؤلفه‌های ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده، نمی‌توان برای این بخش جهت‌گیری خاصی به‌شکل روشن برشمرد، چرا که بیشترین آراء، نشان از توصیه‌هایی به‌منظور رفع خلأ موجود دارد. دیدگاه‌های صاحب‌نظران و دبیران در مقام تأیید، حاکی از آن است که چون زمینه‌ی تحلیلی، تطبیقی و مقایسه‌ای در کتاب وجود دارد، دانش‌آموزان را به فعالیت‌های رشد دهنده‌ی تفکر عقلی، سوق می‌دهد. آنان در انتقاد از برخی از موارد، چنین اظهار داشته‌اند که ارزش‌یابی از درس دینی باید با ارزش‌یابی از دروس دیگر، متفاوت باشد اما سخن اساسی این است که بالاخره چه راهکارهایی داریم و در اجرا چه کرده و چه خواهیم کرد؟! به‌زعم یکی از پاسخ‌دهندگان، ارزش‌یابی واقعی را باید در کلاس‌ها و زمان برگزاری امتحانات بررسی کرد که به‌میزان بسیار زیادی به روش تدریس معلم، مربوط می‌شود. اصولاً کتاب هرچه باشد و به‌هر گونه‌ای که نوشته شود، با دو محور مهم معلم و امتحان، محک می‌خورد، با این‌حال می‌توان گفت در حد خود کتاب، کار به‌خوبی انجام شده است. پاسخ‌دهندگان، صلاحیت‌ها و ویژگی‌های تعیین‌شده برای معلم درس دینی را تا حد زیادی مطابق با ضوابط و معیارهای برنامه دانسته‌اند، اما توانمندی علمی و الگو بودن معلم را، دو عامل بسیار ارزشمند در میزان اثربخشی محتوای کتاب تلقی کرده‌اند. در اهمیت «حوزه‌ی اجرا»، ایشان باور دارند که اگر فضای آموزشی ما فضای دینداری، صمیمیت، احترام، صداقت، ایثار و از منافع شخصی گذشتن و به‌طور خلاصه «فضای دینی بشود»؛ بهترین عامل دینداری دانش‌آموزان فراهم شده است. به‌علاوه اظهارات دریافت‌شده، از برقراری رابطه میان محتوای برنامه‌ی درسی و ارزش‌یابی مستمر، سخن می‌گوید اما آسیب جدی از ناحیه‌ی نظام نمره‌گذاری با توجه به سایر دروس نیز قید شده است. به‌اعتقاد منابع اطلاعاتی، شرط روی آوردن دانش‌آموزان به خود ارزیابی، قرار دادن آنها در فضایی معنوی و واقعی است که در این راستا باید اذغان داشت نشان‌دادن بخش‌هایی از زندگی بزرگان اخلاق و عرفان، نمایش فیلم اسوه‌های بزرگ از علماء، شهدا و سایر بزرگواران، خود به خود ما را به این سمت و سو، خواهد برد. در امر خود ارزیابی، معلم نقش اصلی و اساسی ایفا می‌کند چرا که می‌تواند در این زمینه به‌عنوان مولدی فعال، عمل نماید. از طرفی چنین خود ارزیابی در قالب بسیاری از فعالیت‌ها و پیشنهادهای عنوان شده در کتاب نیز قابل شکل‌گیری است، و در نهایت این‌که در ارزش‌یابی پایانی، معلم نباید آموزش را در خدمت ارزش‌یابی قرار دهد.



## تناسب محتوای کتاب با موقعیت‌ها و نیازهای زندگی فراگیران

با اتکا به اطلاعات جمع‌آوری شده می‌توان گفت اگرچه در تأیید برخی از مؤلفه‌های ارائه‌شده، نکاتی مشاهده می‌شود، اما اکثریت دیدگاه‌های منابع اطلاعاتی، به‌منظور عطف توجه و تأکید در بازنگری محتوا، مضمونی انتقادی دارند. به زعم آنان، کتاب، به بخشی از پرسش‌های دانش‌آموز در حوزه‌ی مباحث نبوت و امامت پاسخ می‌دهد، اما حوزه‌های پرسشی مربوط به مبحث امام زمان (عج‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، گستردگی بیشتری را طلب می‌کند. آنان، همچنین معتقدند که محتوا از نظر استدلال، تجزیه و تحلیل، تفسیر و قضاوت، هیچ‌گونه قابلیت ذهنی در دانش‌آموزان ایجاد نمی‌کند مگر این‌که آن‌ها را با تعدادی از سؤالات مبهم، روبه‌رو کند. به‌باور پاسخ‌دهندگان، کتاب نتوانسته برای بسیاری از مسائل فروع دین و احکام عملی، پاسخی ارائه نماید و اذعان می‌دارند بخش عظیمی از ایجاد حس مسئولیت فردی و اجتماعی، تنها با ارائه‌ی مطالب کتاب میسر نیست بلکه به نقش و جایگاه دبیر، و برنامه‌های جنبی دیگر نیز وابسته است. منابع اطلاعاتی همچنین معتقدند که به برخی از مسائل دینی و مذهبی دانش‌آموز پرداخته شده اما به برخی از مباحثی که در جامعه‌ی فعلی به‌عنوان مشکلات اعتقادی در بین جوانان مشاهده می‌شود توجه چندانی نشده است مثل بحث شفاعت یا حتی برخی از شبهات جدید که می‌توانست در خلال مطالب «برای مطالعه» به‌طور مختصر، مطرح و پاسخ داده شود. آنان برای ایجاد زمینه‌های خلاقیت در کلاس درس با توجه به پیش‌بینی فعالیت‌های یادگیری برای فراگیران، نقش دبیر را فراموش‌نشده‌ی ذکر می‌کنند. به‌زعم این گروه، بیشتر مباحث در حوزه‌ی زندگی فردی فراگیران تدوین شده‌اند و ضروری است که مباحثی در خصوص تعامل فرد با جامعه و حقوق اجتماعی نیز گنجانده شود. آنان عطف توجه به جنبه‌های عملی زندگی در موضوعات ارائه‌شده در کتاب را نیز مورد تأکید قرار داده‌اند.

## جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی محتوای کتاب

دیدگاه‌های صاحب‌نظران و دبیران در این بخش، اکثریت اظهارنظرها را در طیف مضامین انتقادی قرار می‌دهد. در این خصوص پاسخ‌دهندگان برخی از محورها را در مقام تأیید ارزیابی نموده‌اند و برای برخی دیگر جهت‌گیری خاصی قائل نشده‌اند. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که در محورهای مربوط به این سؤال پژوهشی؛ کتاب، نیازمند تأمل جدی است تا بر غنای محتوا، افزوده شود. به‌باور گروه‌های پاسخ‌دهنده، حجم مطالب کتاب در شرایط موجود، سنگین و با ساعات تدریس ناهمخوان است. آنان معتقدند تلفیق مفاهیم قرآنی با معارف اسلامی و تعالیم دینی بر گیرایی و جذابیت متن افزوده و بر یادگیری بهتر

و پایدارتر کمک کرده است. در این خصوص، یکی از صاحب‌نظران چنین بیان داشته است: «تلفیق قرآن و دینی باید با یک هنجار و قاعده‌ی شفاف‌تر و اثربخش‌تر نسبت به وضعیت کنونی انجام شود. در این نوع تلفیق بهتر است آیات قرآن، مبنا؛ و توضیح و تبیین آیات، پیکره‌ی اصلی متن درس قرار گیرند». همچنین گفته شده چنانچه میسر باشد، تلفیق معارف اسلامی با مفاهیم علوم مانند استفاده از ستاره‌ها، منظومه‌ها، کهکشان‌ها و... یادگیری را موثرتر خواهد کرد. آنان چنین مطالب را در محتوای کتاب، زیبا و منطقی قلمداد کرده‌اند. از نظر ایشان؛ متن درس‌ها، روان و قابل فهم‌اند اما چنانچه از لطایف ادبی نیز استفاده شود، در نوع نگارش تأثیر می‌گذارد و جذاب‌تر می‌شود. پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که کتاب از به‌روز کردن مفاهیم عقیدتی و اخلاقی، غفلت کرده است. به‌علاوه، ارائه‌ی منابع و مستندات را به‌منظور اعتبار بخشیدن به محتوا، کاملاً ضروری دانسته‌اند و یکی از دلایل آنان در ضرورت ارائه‌ی مقدمه این است که می‌تواند محملی برای توجه به مباحث، اهداف و نکات کلیدی در مطالب هر درس باشد. منابع اطلاعاتی هم‌چنین آموزش و بازنگری در روش جذب و بازآموزی معلمان دینی را جزء وظایف اساسی تهیه‌کنندگان برنامه ذکر کرده‌اند و می‌گویند: «به دلیل وجود مسائل جدید فراتر از مسائل کتاب، لازم است در آماده‌سازی معلمان بیشتر کار شود». از نظر آنان وحی به معنی هدایت و راهنمایی با وحی به‌عنوان یکی از اختصاصات پیامبران، خلط شده و به بازنگری جدی نیازمند است. ارائه‌ی بحث‌های جدید مانند سکولاریسم، قرائت‌های مختلف دینی و نحوه‌ی پاسخ‌گویی به آنها نیز یکی از موارد قابل تأمل در دیدگاه آنان می‌باشد. به‌باور منابع اطلاعاتی، یکی از مسائل روز، موضوع پلورالیسم است که باید با زبانی دقیق و کامل طرح شود تا ذهنیت بچه‌ها از این که «چه تفاوتی می‌کند، کدام دین را داشته باشیم»، مصون بماند. به‌زعم ایشان یکی از مواردی که لازم است بیشتر به آن پرداخته شود، ویژگی‌های یاران حضرت ولی‌الله‌الاعظم (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) از نظر توسعه‌ی ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی است تا هرکسی بتواند خودش را به آن ویژگی‌ها نزدیک کند. آنان همچنین پرداختن به این موضوع که در مسائل مربوط به زندگی اجتماعی و نظام اسلامی و پیاده کردن قوانین الهی در جامعه در هر عصری و با پیروی از دستور «فقیه جامع‌الشرایط» امکان پذیر است، ضروری دانسته‌اند.

### تفسیر یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اطلاعات دریافت‌شده در این پژوهش، متکی بر رویکرد کیفی بوده و استفاده از شاخص‌های کمی مانند پرسش‌نامه‌های سازمان‌یافته یا بسیار سازمان‌یافته به‌همراه مقیاس‌های چندگزینه‌ای و ارائه‌ی جداول فراوانی و درصد میسر نبود. بدین‌معنا که

سؤال‌های بازپاسخ و نیمه‌ساختاری در هر پرسش‌نامه و مصاحبه‌های انجام‌شده، امکان نقد و قضاوت در باره‌ی محتوای کتاب را برای پاسخ‌دهندگان فراهم کرده‌اند. آنان در ارزیابی‌های خود، تناسب محتوای کتاب را با بسیاری از مؤلفه‌های مورد نظر، مثبت تلقی کرده‌اند که می‌تواند به مثابه‌ی دلگرمی برای برنامه‌ریزان و مؤلف (مؤلفان) کتاب به‌شمار آید، مانند توجه به رویکرد تفکر عقلی در مباحث کتاب که به‌عنوان آن را یکی از مزایای بااهمیت برشمرده‌اند. به‌علاوه محتوای کتاب، توانسته از آیات قرآن و روایات بهره‌مند گردد و میان این دو پیوند مناسبی برقرار کند. یافته‌ها، نشان می‌دهند که فعالیت‌های یادگیری مطرح‌شده در کتاب، مهارت‌های ذهنی دانش‌آموز را توسعه می‌بخشد، و علاقه و رغبت دانش‌آموز را به مطالب عرضه‌شده بیشتر می‌کند. نقش منحصر به‌فرد پیامبران الهی در دستیابی به سعادت، تقویت حب معصومین (صلوات‌الله علیهم) و میل به تبعیت از ایشان و نیز الگو قرار دادن آنان در زندگی نسل جوان نیز از سوی مؤلف (مؤلفان) مد نظر قرار گرفته است.

اما برخی دیگر از مؤلفه‌ها را با چالش‌هایی مواجه دانسته‌اند که پرداختن مجدد به آن‌ها را توأم با ژرف‌نگری و تأمل به منظور رفع ابهامات و پاسخ‌گویی دقیق‌تر به نیازهای این گروه سنی، ضروری ذکر نموده‌اند. آنان، همچنین از کنار برخی از مؤلفه‌ها و محورهای مورد سؤال، بدون موضع‌گیری خاص عبور کرده‌اند و به طرح دیدگاه‌های خود از منظر توصیه و پیشنهاد در راستای بهسازی و کیفیت‌بخشی مباحث و موضوعات کتاب اکتفا کرده‌اند.

اگرچه هریک از منابع اطلاعاتی با توجه به توان تخصصی خود پاسخ‌گوی بخش‌های گوناگون بوده‌اند، با این وجود، اطلاعات به‌دست آمده از طریق دیدگاه‌های آنان، از مباحثی بسیار با اهمیت و مبتنی بر اندیشه‌های علمی، سخن می‌گویند که تهیه‌کنندگان برنامه می‌توانند در بازنگری و اصلاح، آن‌ها را مورد توجه جدی قرار داده و بر کیفیت محتوای موضوعات و مطالب کتاب، بیفزایند. برای مثال بیشترین ضعف، متوجه کثرت اهداف و محدودیت محتوا با توجه به محدودیت ساعت‌های درسی در برنامه‌ی هفتگی می‌باشد. افزون بر این، یکی از برجسته‌ترین نکات مورد اشاره، توجه به احکام و شبهاتی است که دانش‌آموزان در این شرایط ذهنی و سنی به آنها نیازمندند. همچنین، به‌نظر می‌رسد یکی از مباحث چالش‌برانگیز، ارائه‌ی بحث‌های جدید مانند سکولاریسم، قرائت‌های مختلف دینی و نحوه‌ی پاسخ‌گویی به آنها باشد که توجه جدی‌تری را در لایه‌لای متون کتاب درسی می‌طلبد. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که ایفای نقش معلمان در ایجاد تعهدات اجتماعی و حس مسئولیت فردی، غیر قابل انکار می‌باشد. به‌عبارتی جایگاه معلمان در عرصه‌های آموزش و ارتباط میان دین و برنامه‌های زندگی، کلیدی و بسیار پررنگ دیده

شده است. راه زندگی نیز به‌عنوان یکی از اهداف مغفول‌مانده در این درس، موضوعی است که توجه دقیق‌تر تهیه‌کنندگان برنامه را به خود جلب می‌کند چرا که از قِبَل بیان شیوه‌های صحیح زندگی کردن و آموختن مهارت‌های مورد نیاز، دانش‌آموزان برای فردایی بهتر و مؤثرتر آماده خواهند شد و در استفاده از زمان و امکانات، به‌نحو شایسته‌ای عمل خواهند نمود. لازم است به سیره‌ی عملی معصومین (صلوات‌الله‌علیهم) توجه شود، زیرا سنت و سیره‌ی عملی در امور فردی و اجتماعی، مسائل اقتصادی، سیاسی، هویت‌پروری و استقلال‌گرایی جوانان، می‌تواند الگوی مناسبی باشد. از آنجا که تمرکز تولیدکنندگان برنامه بر تلفیق میان مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی و نمود آن در کتاب درسی موردنظر بوده است، لیکن این مبحث از نگاه نقدکنندگان، تعمق و تأمل بیشتری را می‌طلبد. در میان یافته‌های پژوهش، توجه جدی به مطالبات و تقاضاهای معلمان به‌منظور تأمین و تقویت قابلیت‌های حرفه‌ای آنان، به‌عنوان یک ضرورت معرفی شده است که پرداختن به آن می‌تواند زمینه‌های فراگیری پایدار را در دانش‌آموزان فراهم آورد و به توسعه و تکمیل بخش‌های گوناگون برنامه در صحنه‌های اجرایی بیانجامد. در حال حاضر روش‌های نوین آموزشی در طراحی یک برنامه از جایگاه خاصی برخوردارند که برنامه‌ریزان درسی مربوط نیز آن را در دو بعد روش‌های تدریس و روش‌های ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، پیش‌بینی کرده‌اند. منابع اطلاعاتی، به‌دلیل برقراری ارتباط تنگاتنگ میان این دو مؤلفه؛ نقش معلم را در کاربرد صحیح روش‌ها، بسیار اساسی قلمداد نموده‌اند.

بنابر این، بدون تردید، به‌کارگیری نتایج ارزش‌یابی‌ها و اعتباربخشی‌های برنامه‌های درسی را می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌ای برای بقاء و دوام بهتر، کیفیت و تأثیرگذاری بیشتر قلمداد کرد و از این مجراء سلامت آنها را تضمین نمود.

### سخن آخر

«ارزش‌یابی را می‌توان قضاوت ارزشی در باره‌ی تطابق چیزی با استانداردها یا معیارهای موردنظر تعریف کرد. به‌طور کلی اطلاعات به‌دست آمده از فعالیت رسمی ارزش‌یابی، حاکی از مفید بودن آن در تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ای است. لذا، ارزش‌یابی هدفمند و نظام‌دار موجب ترویج شناسایی نیازهای برنامه و توسعه‌ی پیشنهادهایی برای بهبود برنامه می‌شود. فراهم آوردن راهنمایی برای انتخاب مواد آموزشی بر مبنای پژوهش و عمل بهتر و نیز شناسایی آن دسته از حوزه‌های محتوایی در برنامه‌ی درسی که می‌توانند تلفیق شوند، جزء دلایل و مزایای ارزش‌یابی به‌شمار می‌آیند (ICCS، ۲۰۰۶)».

در سال‌های اخیر، رویکرد تلفیق در برنامه‌های درسی به‌عنوان یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز، مورد توجه متخصصان این رشته به‌ویژه دست‌اندرکاران تولید برنامه‌های درسی در نظام‌های آموزشی بوده است. در این رویکرد، حوزه‌های گوناگون محتوایی و دانش به‌گونه‌ای به یکدیگر پیوند می‌خورند که کسب تجارب یادگیری را برای دانش‌آموزان تسهیل می‌کنند تا بتوانند این تجارب را به‌شکلی ملموس‌تر در زندگی واقعی، به‌کار گیرند.

قرآن و تعلیمات دینی نیز یکی از موضوعات بسیار مهم در برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی به‌شمار می‌آید که بر اساس آن، برنامه‌ی زندگی افراد با محوریت قرآن، تعالیم دینی و سنت و سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) به‌منظور معنابخشیدن به مفاهیم موردنظر، توسط تولیدکنندگان این برنامه در گروه درسی تعلیم و تربیت دینی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی تولید شده است. لذا تأکید می‌شود که این برنامه «مهم‌ترین رسالت نظام اسلامی را، برنامه‌ریزی برای انسان‌هایی مؤمن و عامل به تعلیم اسلامی می‌داند (راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی، ۱۳۸۳)».

در این خصوص ملکی (۱۳۸۲) اعتقاد دارد که «قرآن برای برقراری ارتباط بین دروس و تلفیق حوزه‌های گوناگون با یکدیگر، مبنایی مناسب و محوری مطمئن شمرده می‌شود. در آیات قرآن، جنبه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، احکام و غیره از هم تفکیک نشده و تلفیق به‌معنای واقعی در آن رعایت شده است».

بدین ترتیب کوشش در جهت تغییر به‌منظور اصلاح و همراه شدن با تحولات و نوآوری‌های روز دنیا، از اندیشه‌هایی است که در تصمیم‌گیری نظام‌های آموزشی، معنادار و قابل دفاع است، چرا که نیازهای فردی و اجتماعی به‌طور مداوم تغییر می‌کنند. از این رو، تصمیم‌گیرندگان و طراحان برنامه‌های درسی برای آن‌که برنامه‌های خود را با این نیازها و تحولات منطبق سازند، لازم است هم به تدوین برنامه‌های جدید مبادرت ورزند و هم از طریق مطالعات گوناگون به بازخوردهایی از آن برنامه‌ها نایل آیند که در دستیابی به مقاصد مورد نظر، آنها را یاری دهند. از این حیث می‌توان گفت که برنامه‌ی درسی دین و زندگی از طریق رویکرد تلفیقی باید بتواند پاسخ‌گوی شبهات و نیازهای نسل جوان باشد.

بنابراین، همان‌گونه که اشاره شد، «ارزش یابی تکوینی، یک وسیله‌ی جدید و ارزشمند را برای کمک به طرح‌ریزان برنامه‌ی درسی فراهم می‌کند تا بتوانند به تصمیمات منطقی و روا، دست یابند. استفاده از این وسیله، مستلزم یک ارتباط و همکاری نزدیک بین طرح‌ریزان برنامه‌ی درسی و یک محقق ارزش یابی تکوینی است (سیلور و همکاران، ترجمه‌ی خوی‌نژاد، ۱۳۷۷)».

حرکت سال‌های اخیر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی نیز به سمت تغییر و بهبود برنامه‌ها و بهره‌جستن از یافته‌های پژوهشی به‌عنوان پشتوانه‌های معتبر و قابل اتکاء می‌باشد و از سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی در راستای پژوهش‌محور کردن برنامه‌های درسی پیروی می‌کند که نشان از بذل توجه به رویکردهای نوین و در عین حال قابل قبول از حیث ایدئولوژی حاکم بر جامعه و نیازهای روز جوانان دارد، و اقدامی علمی و در خور توجه است که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. لیکن، پژوهش مذکور در راستای نیل به سیاست‌ها و مصوبات مورد نظر انجام گرفت و یافته‌های آن در مقام تأیید یا انتقاد و اصلاح، به گروه درسی مربوط ارائه شد تا در اتخاذ تصمیمات نهایی و از منظر کارشناسی، مورد بحث و تبادل نظر، قرار گیرند.

### پیشنهادها

با استناد به دیدگاه‌های منابع مختلف اطلاعاتی به‌منظور اتخاذ تصمیمات منطقی‌تر و قابل دفاع‌تر در کیفیت‌بخشی برنامه‌ی موردنظر، پیشنهادهایی در دو بخش اجرایی و پژوهشی به‌دلیل اهمیت و اولویت بیشتر، مطرح می‌شوند:

#### الف- پیشنهادهای اجرایی

- با توجه به اهمیت ارائه‌ی صحیح آموزه‌های دینی، پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی در جذب و آموزش معلمان دینی، بازنگری‌ها و روش‌های جدی‌تری را دنبال کند چرا که فراهم کردن زمینه‌های ارتقاء سطح علمی معلمان در خصوص روش‌های تدریس، ارزش‌یابی و نظارت دقیق بر اجرای آن‌ها نیز یک امر حیاتی تلقی می‌گردد.

- از آنجا که یکی از نکات مثبت کتاب، توجه به رویکرد تفکر عقلی است، لذا خطری که نباید از آن غافل شد، گرفتاری در دام پلورالیزم و تکثرگرایی است. از این‌رو به دلیل اهمیت موضوع، به نظر می‌رسد آموزش‌های ضمن خدمت باید بتوانند در این زمینه، اطلاعات لازم را به معلمان، ارائه دهند.

- با توجه به تلفیق مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی به‌عنوان یکی از رویکردهای اصلی برنامه، لازم است این رویکرد به‌شکلی شفاف‌تر و اثربخش‌تر، نسبت به وضعیت کنونی، در نظر گرفته شود و ابعاد گوناگون آن در راهنمای برنامه بسیار روشن‌تر از آنچه که هست مورد توجه قرار گیرد.

- با فراهم کردن امکانات و زمینه‌هایی برای نشان دادن فیلم بخش‌هایی از زندگی بزرگان اسلام و اخلاق به‌منظور آگاهی فراگیران، می‌توان رفتارهای صحیح را به‌طور عینی

آموزش داد. لذا پیشنهاد می‌شود زمینه‌های چنین امکانی با مشارکت بخش‌های تخصصی و اجرایی هموار گردد.

#### ب- پیشنهادهای پژوهشی

- برای آن‌که برنامه‌ی درسی دین و زندگی بتواند پاسخ‌گوی شبهات و نیازهای روز جوانان، باشد، به‌نظر می‌رسد تهیه‌ی فهرستی از نیازهای آنان در قالب پژوهش نیازسنجی، ضروری باشد.

- طبق گفته‌ی منابع اطلاعاتی، از آنجا که کتاب زمینه‌های فعالیت‌های رشد دهنده‌ی تفکر عقلی، ایمان و حس دینی دانش‌آموزان را فراهم آورده است، پیشنهاد می‌شود با مشارکت گروهی کارآمد از کارشناسان حوزه‌ی علمیه، آموزش و پرورش و استادان دانشگاه به بررسی و ارزش‌یابی این نوع از فعالیت‌ها بپردازند.

- یکی از اهداف برنامه، ایجاد حس مسئولیت دینی (فردی و اجتماعی) در دانش‌آموزان از طریق محتوای ارائه‌شده در کتاب است. میزان تحقق این هدف از طریق انجام یک پژوهش، قابل بررسی است.

- با توجه به این‌که مباحث کتاب در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای مخاطبان در نظر گرفته شده‌اند، نظر سنجی از دانش‌آموزان و معلمان در خصوص ارتباط محتوای دروس ارائه‌شده با زندگی روزمره‌ی دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود.

- انجام پژوهشی در خصوص میزان توانمندی‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای دبیران دینی دوره‌ی متوسطه به‌منظور فراهم آوردن شرایط مناسب و تعیین راهکارهای علمی و عملی مورد نیاز است.

## منابع

- الکین، م. سی. (۱۳۸۱). *الگوهای ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی*. برگردان ک. فتحی واجارگاه. در مهرمحمدی، م. برنامه‌ی درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها. تهران: آستان قدس رضوی (به‌نشر).
- بازرگان، ع. (۱۳۸۰). *ارزش‌یابی آموزشی*. تهران: سمت.
- خلخالی، م. (۱۳۸۱). *آسیب‌شناسی نظام برنامه‌ریزی درسی ایران و راه‌بردهایی برای اصلاح آن*. تهران: انتشارات سوگند.
- دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. (۱۳۷۹). *جزوه‌ی منشور مدیریت*. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. (۱۳۸۰). *راهنمای اعتباربخشی*. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- دلاور، ع. (۱۳۸۷). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. چاپ ۴. تهران: انتشارات رشد.
- سیف، ع. ا. (۱۳۸۴). *اندازه‌گیری، سنجش و ارزش‌یابی آموزشی*. چاپ ۱۷. نشر دوران.
- سیلور، جی. گ.، الکساندر، و. ام.، و لوییس، آ. جی. (۱۳۷۷). *برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*. برگردان غ. خوی‌نژاد. چاپ ۴. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی (به‌نشر).
- فتحی واجارگاه، ک. (۱۳۷۷). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: انتشارات ایران زمین.
- گروه درسی تعلیم و تربیت دینی. (۱۳۸۳). *راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی (درس‌تعلیمات دینی و قرآن) دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی*. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- گروه درسی تعلیم و تربیت دینی. (۱۳۸۳). *قرآن و تعلیمات دینی ۳ (پیش‌نویس کتاب دین و زندگی، سال سوم متوسطه)*. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- مقصودی، م. (۱۳۸۰). *ارزش‌یابی از اجرای آزمایشی کتاب دین و زندگی*. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- ملکی، ح. (۱۳۷۸). *برنامه‌ریزی درسی: راهنمای عمل*. چاپ ۲. تهران: انتشارات مدرسه.
- ملکی، ح. (۱۳۸۳). *دین و برنامه‌ی درسی*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- مهرمحمدی، م. (۱۳۷۲). *بررسی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال آلمان*. فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت.
- مهرمحمدی، م. (۱۳۸۱). *ترکیب بهینه برای تصمیم‌گیرنده‌گان در فرآیند تدوین برنامه‌ی درسی*. در مهرمحمدی، م. برنامه‌ی درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها. تهران: آستان قدس رضوی (به‌نشر).
- میرعارفین، ف. (۱۳۸۳). *ارزش‌یابی کتاب درسی دین و زندگی ۲، از دیدگاه صاحب‌نظران و دبیران درس دینی*. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.



- میرعارفین، ف. (۱۳۸۴). *ارزش‌یابی کتاب درسی دین و زندگی ۳، از دیدگاه صاحب‌نظران و دبیران درس دینی*. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- وولف، ر. (۱۳۷۵). *ارزش‌یابی آموزشی*. برگردان علیرضا کیامنش. چاپ ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- Gottlieb, R., Rogers, J., & Rainey, K. (2002). Using curriculum evaluation as a basis for clinical faculty development. *College Student Journal*, 36(2), 279-288.  
[http://www.findarticles.com/p/articles/mi\\_m0FCR/s\\_2\\_36/ai\\_89809980](http://www.findarticles.com/p/articles/mi_m0FCR/s_2_36/ai_89809980)
- Iowa City Community School District. (n.d.). *ICCS D Curriculum Review Model*. [http://www.iowa-city.k12.ia.us/district/curriculum\\_review\\_reports/course\\_review.html](http://www.iowa-city.k12.ia.us/district/curriculum_review_reports/course_review.html)
- Smith, M. K. (2006). Evaluation - Theory and practice. In *The Encyclopaedia of informal education*. (Original 2001). <http://www.infed.org/biblio/b-eval.htm>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی